

افشای ۳مزدور وزارت اطلاعات

در خدمت شیطان سازی و تروریسم رژیم ولایت فقیه علیه مجاهدین

فرشید نصراللهی
عیسی آزاده
داوود باقروند ارشد

شهریور ۱۴۰۰

افشای ۳مزدور وزارت اطلاعات در خدمت شیطان سازی و تروریسم رژیم

ولایت فقیه علیه مجاهدین

انتشارات: سازمان مجاهدین خلق ایران

تاریخ انتشار: شهریور ۱۴۰۰

قیمت: ۵ یورو

شابک: ۹۷۸-۱-۹۱۶۴۱۰۱-۴-۵

فهرست

پیش‌گفتار	۵
دشمنی رژیم ولایت فقیه با مجاهدین و مقاومت ایران	۷
افشای ۳مزدور وزارت اطلاعات	
- فرشید نصراللهی	۲۱
- عیسی آزاده	۴۱
- داوود باقروند	۶۹
اطلاعیه‌های کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت	۸۷
مأموران وزارت اطلاعات ایران در اروپا	۱۰۵

پیش‌گفتار

کتاب حاضر، مجموعه‌یی از اسناد مزدوری سه‌تن از مأموران وزارت اطلاعات رژیم ایران است که پس از استخدام توسط وزارت اطلاعات، با گذراندن آموزش و توجیهات لازم در ایران، برای شیطان‌سازی و جنگ‌روانی علیه مجاهدین به خارج کشور فرستاده شده‌اند.

این اسناد دربرگیرنده گزیده‌هایی از اطلاعیه‌های کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت و نیز گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد، که سه تن از مزدوران دستگاه اطلاعات آخوندها به نام‌های «فرشید نصراللهی»، «عیسی آزاده» و «داوود باقروند» را افشا کرده است. کسانی که درعین استفاده از پوشش پناهندگی در اروپا، در خدمت دستگاه جاسوسی فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران قرار دارند.

این مجموعه هم‌چنین حاوی گزیده‌ای از برگردان فارسی کتاب «مأموران وزارت اطلاعات ایران در اروپا» می‌باشد که توسط «کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت» در مهرماه ۹۶ (اکتبر ۲۰۱۷) منتشر گردید و در آن شمه‌یی از فعالیت‌های وزارت اطلاعات آخوندها در اروپا مورد بررسی قرار گرفته است.

دشمنی رژیم ولایت فقیه با مجاهدین و مقاومت ایران



ریشه دشمنی خمینی با مجاهدین چه بود؟

خمینی قبل از به قدرت رسیدن، چنان که در مهم ترین کتاب سیاسی خود به نام «حکومت اسلامی» شرح داده، به دنبال برقراری یک استبداد دینی بود. کما این که کم تر از دو ماه بعد از دستیابی به قدرت به روشنی اعلام کرد:

«آنچه این جانب به آن رأی می دهم جمهوری اسلامی است... نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم... آن ها که در نوشته جاتشان از جمهوری دم می زنند جمهوری فقط، یعنی اسلام نه. آن هایی که جمهوری دموکراتیک میگویند یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه! آن ها می خواهند باز همان مصائب را با فرم دیگه برای ما به بار بیاورند... هر کس "جمهوری دموکراتیک" بگوید، او دشمن ماست...»

این ریشه دشمنی خمینی با مجاهدین بود. مجاهدین مخالف دیکتاتوری خمینی بودند و از روز اول در مقابل استبداد دینی خمینی ایستادند و گفتند که حاکمیت او چیزی جز ارتجاع نیست.

از آن هنگام یک رویارویی میان ارتجاع حاکم به سردمداری خمینی و مجاهدین به جریان افتاد. هنوز دو هفته از سقوط شاه نگذشته بود که براساس دستور شخص خمینی، چماق‌داران حملات بی‌وقفه به دفاتر و اجتماعات مجاهدین در شهرهای مختلف را آغاز کردند. در ماه‌های بعد روند فزاینده دستگیری هواداران جوان و نوجوان مجاهدین و نیز قتل آن‌ها در خیابان‌ها جریان یافت. به‌طوری که تا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ هزاران نفر از مجاهدین در زندان به سر می‌بردند و ۵۴ نفر نیز به شهادت رسیدند.

جنگ روانی مکمل سرکوب

بررسی تاریخچه برقراری مجدد اختناق در ایران تحت حاکمیت آخوندها، هم‌زمان وجود یک کارزار موازی پخش دروغ و شیطان‌سازی را نیز نشان می‌دهد که از آغاز پایه‌پای شکنجه و کشتار مخالفان و عملیات کنترل جامعه، جریان داشته است که مهم‌ترین سوژه آن جنبش اصلی مخالفان، یعنی مجاهدین خلق بوده است.

خصلت اصلی کارزار شیطان‌سازی درهم‌تنیدگی آن با عملیات سرکوب است؛ به‌طوری که همیشه یکی مکمل و مقوم دیگری بوده است.

در دومین سال حاکمیت خمینی، هنگامی که افشاگری مجاهدین درباره شکنجه گسترده هواداران‌شان در زندان‌ها موج اعتراض اجتماعی وسیعی علیه رژیم را برانگیخت، خمینی به تشکیل هیأتی برای بررسی آن تن داد. اما ابتدا نام آن را «هیأت بررسی شایعه شکنجه» گذاشت و پس از مدت‌ها فریبکاری سرانجام هیأت مزبور اعلام کرد:

«حتی یک مورد هم شکنجه در زندان‌ها دیده نشده».

نمونه مهم دیگر سخنان خمینی در ملاقات با محمدی‌گیلانی رئیس «دادگاه انقلاب تهران» و سایر مسئولان این دادگاه، در ۱۹ فروردین ۱۳۶۰

بود. هنگامی که آن‌ها از انزجار عمومی نسبت به خود شکایت کردند و خمینی متوجه روحیه باختگی آن‌ها شد، گفت:

«شما گرفتار یک جمعیتی هستید که خودشان، خودشان را بیهوش می‌کنند و داغ می‌کنند برای این که گردن شما بگذارند... بعضی از این‌ها، آن رفیق خودشان را بیهوش می‌کنند و شکنجه می‌کنند برای این که بگویند شکنجه ما داریم. شما سرو کارتان با یک همچو مردمی است».

این سخنان که زندانی شکنجه‌شده را عامل شکنجه خودش و مقتول را قاتل خودش معرفی می‌کند، الگوی دائمی کمپین پخش دروغ و شیطان‌سازی علیه مجاهدین شد.

هر بار که دسته‌های چماق‌دار، یکی از مراکز و دفاتر مجاهدین در شهرهای مختلف را مورد حمله قرار می‌دادند و آن را به اشغال خود درمی‌آوردند، امام‌جمعه‌های مرتجع و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم دربارهٔ فلان وسائل قبیحه و مواد مخدر و مشروبات الکلی و ... که به ادعای آنان در این مراکز کشف شده بود به تبلیغات بی‌شرمانه می‌پرداختند.

رسانه‌های رژیم در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی که خود را مدره جا می‌زد بارها با تیتروهای درشت اعلام کردند که مجاهدین، ۷۵۰ تن، ۱۱۰۰ تن یا ۱۵۰۰ تن از اعضای خود را زندانی کرده‌اند (روزنامه اطلاعات - ۲۱ آذر ۱۳۷۰)

- وزارت اطلاعات رژیم سه اسقف ایرانی را در سال ۱۳۷۳ وحشیانه ترور کرد و سپس با صحنه‌سازی و با به‌میدان آوردن سه زن زندانی که به همکاری با وزارت اطلاعات تن داده بودند اعلام کرد مجاهدین این اسقف‌ها را به قتل رسانده‌اند. اما بعدها در درگیری‌های باندهای درونی رژیم برملا شد که وزارت اطلاعات این کشیش‌ها را به قتل رسانده است.

- در ۳۰ خرداد ۱۳۷۳ در یک انفجار تروریستی در حرم امام رضا(ع) در

مشهد ده‌ها تن به قتل رسیدند و خامنه‌ای که از پیش برای این صحنه‌سازی آمادگی داشت ساعتی بعد از انفجار اعلام کرد مجاهدین مسئول این انفجارها هستند.

اما در این مورد نیز سران رژیم بعدها اذعان کردند که موضوع انفجار حرم امام رضا(ع) ربطی به مجاهدین نداشته و این طرحی برای بی‌اعتبار کردن آن‌ها بوده است. از جمله علی یونسی وزیر سابق وزارت اطلاعات در ۸ تیر ۱۴۰۰ در سایت جماران اعتراف کرد که این جنایت ربطی به مجاهدین نداشته است.

به‌کارگیری بریده مزدوران

بخشی از هدف‌های کمپین شیطان‌سازی مجاهدین، جانداختن این دروغ است که گویا مجاهدین بعد از رسیدن به قدرت بدتر از رژیم فعلی خواهند بود تا به خیال خود آترناتیو دمکراتیک رژیم ولایت‌فقیه را بسوزانند. در پیش‌برد این سیاست رژیم به‌طور گسترده از بریده مزدوران تحت عنوان «اعضای سابق مجاهدین» یا «مجاهدین جداشده» استفاده می‌کند. اما این تنها مورد استفاده رژیم از افرادی که دست به خیانت زده‌اند نیست. رژیم حتی در کشتار و قتل‌عام مجاهدین از آن‌ها استفاده می‌کند. این افراد خودشان را به‌طور کامل در اختیار رژیم جنایتکار قرار داده‌اند.

در زمان حضور مجاهدین در عراق، نیروی تروریستی قدس همراه با مزدوران عراقی به‌خصوص در زمانی که نوری مالکی نخست‌وزیر عراق بود اشرف را بارها با خودروهای نظامی، نفربرهای هاموی و حملات موشکی مورد حمله قرار داد. هدف رژیم از این حملات نابودی کامل مجاهدین بود. در این عملیات جنایتکارانه، نیروی تروریستی قدس بخش اعظم اطلاعات مورد نیاز خود را از تخلیه و به‌کارگیری بریده مزدوران تأمین می‌کرد. رژیم

در صحنه عملیات نیز برای شناسایی و حمله از این عناصر استفاده می کرد. به عنوان مثال، مزدور قربانعلی حسین نژاد قبل از حمله مزدوران نیروی تروریستی قدس به اشرف در ۱۰ شهریور ۹۲ در روی خاکریزهای مسلط به اشرف همراه با عناصر نیروی تروریستی قدس حاضر شده و در شناسایی محل های استقرار مجاهدین به آن ها کمک نمود.

نمونه دیگر، مسعود دلیلی است که همراه با مزدوران نیروی قدس در حمله ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ حضور داشت و آن ها را به سمت محل استقرار اصلی مجاهدین مستقر در اشرف هدایت کرد. در این حمله ۵۲ تن از مجاهدین شهید شده و ۷ تن نیز به گروگان گرفته شدند، در صورتی که این خائن در صحنه حضور نمی داشت مطمئناً رژیم نمی توانست این قتل عام را در این ابعاد انجام دهد.

در موردی دیگر که توسط رئیس پلیس آلبانی افشاء شد، در طرح تروریستی مارس ۲۰۱۸ برای عملیات انفجاری در محل اجتماع مجاهدین در آلبانی علیرضا نقاش زاده یکی از خائنین مزدور که توسط وزارت اطلاعات عضوگیری شده بود در این عملیات تروریستی شرکت داشت. وی به بهانه دیدار با مادرش ۵ بار از اتریش به آلبانی سفر کرده و محل هدف را مورد شناسایی قرار داده و اطلاعات آن را در اختیار نیروی تروریستی قدس قرار داده بود. این عملیات توسط پلیس آلبانی خنثی شد.

در داخل ایران نیز وزارت اطلاعات با ایجاد تشکلهایی مانند انجمن نجات از بریده مزدوران بهره برداری می کند.

هدف اصلی رژیم از ایجاد انجمن نجات علاوه بر شیطان سازی مجاهدین، سرکوب خانواده های مجاهدین و ایجاد ترس و وحشت در بین آن ها است. در خارج از ایران استفاده عمده دیگر رژیم از بریده مزدوران به کارگیری آنها به عنوان «منبع» برای خبرنگاران دوست رژیم می باشد.

در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تعدادی از خبرنگاران دوست رژیم، به بهانه تهیه گزارش از اشرف ۳ به آلبانی سفر کردند. وزارت اطلاعات در پشت‌صحنه، امور این سفرها را هدایت و کنترل می‌کرد، به‌صورتی که این خبرنگاران گزارشات خود را براساس مصاحبه با بریده‌مزدوران تحت‌عنوان اعضای سابق تهیه کرده و در رسانه‌های خود درج می‌کردند. گزارشات مزبور چیزی جز تکرار اتهامات کذب وزارت اطلاعات در نوع انگلیسی یا آلمانی آن نبود. کارکرد دیگر این بریده‌مزدوران برای وزارت اطلاعات فرستادن آنها نزد حامیان بین‌المللی مجاهدین و مقاومت ایران یا سازمان‌های مدافع حقوق بشر برای پیش بردن خط شیطان‌سازی مجاهدین است.

گواهی نهادهای امنیتی اروپا

«اداره فدرال حراست از قانون اساسی و ادارات حراست آلمان در ایالت‌های مختلف از سال ۱۹۹۷ تاکنون در گزارش‌های سالانه خود تأکید می‌کند که هدف اصلی وزارت اطلاعات سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت و جمع‌آوری اطلاعات درباره آن‌ها و پخش اطلاعات دروغ درباره آن‌هاست. این ادارات از سال ۲۰۰۰ تاکنون کراراً تصریح کرده‌اند، «وزارت اطلاعات با استخدام اعضاء سابق این سازمان‌ها تلاش می‌کند تا از فعالیت‌های ضد رژیم آن‌ها، ساختار آن‌ها و کادرهای رهبری آن‌ها اطلاعات جمع‌آوری کند. علاوه بر این وزارت اطلاعات تلاش می‌کند موضع این سازمان‌ها را از طرق مختلف و با تمرکز روی ضد تبلیغات تضعیف کنند».

اداره حراست ایالت نورد راین وست‌فالن در گزارش ۲۰۱۷ خود می‌نویسد:

«این مأموران اقدام به جاسوسی، پخش اطلاعات غلط و عضوگیری جاسوسان جدید می‌کنند. در ۴ سال گذشته به‌طور خاص آن‌ها از اعضای اپوزیسیون ایران که در چارچوب پروژه بشردوستانه فوق‌الذکر از عراق به اروپا آمدند جاسوسی می‌کردند».

آژانس ملی اطلاعات و امنیت هلند BVD نیز در گزارش‌های سالانه خود پس از سال ۲۰۰۰ بارها این واقعیت را گواهی کرده است:

«وزارت اطلاعات تلاش می‌کند که هر چه بیشتر اطلاعات درباره مجاهدین از طریق «اعضاء سابق» جمع‌آوری کند. مأموران وزارت اطلاعات موظف هستند که اطلاعات غلط در مورد سازمان مجاهدین و اعضایش پخش کنند. از این طریق آن‌ها تلاش می‌کنند تا سازمان مجاهدین را تضعیف کنند و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی این سازمان را بی‌اعتبار کنند. وزارت اطلاعات تلاش می‌کند تا مجاهدین را در کشورهایی که حضور دارند شیطان‌سازی کند.

در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۵ دادستانی آلمان اعلام کرد منازل ۵ تن از همین «اعضا سابق» را به‌خاطر مظنون بودن به مزدوری برای وزارت اطلاعات بازرسی کرده و یکی از آن‌ها بنام میثم پناهی را دستگیر کرده است. بعداً این فرد به همراه یکی دیگر از همدستانش محاکمه شد. پناهی و همدستانش در آوریل ۲۰۱۲ توسط مجاهدین از کمپ لیبرتی اخراج شده بودند. آن‌ها سپس به هتل مهاجر تحت کنترل اطلاعات و نیروی تروریستی قدس رژیم آخوندی در بغداد رفتند و بعداً به آلمان منتقل شدند. دادگاه جزایی برلین میثم پناهی را به دو سال و چهار ماه حبس به‌خاطر اشتغال برای سرویس مخفی رژیم علیه اپوزیسیون مجاهدین خلق محکوم کرد».

نمونه‌هایی از توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین به روایت تصویر



آخوند علی یونسی وزیر اسبق وزارت اطلاعات در ۸ تیر ۱۴۰۰ اعتراف کرد که انفجار حرم امام رضا(ع) که نزدیک به سه دهه موضوع شیطان‌سازی علیه مجاهدین بوده هیچ ربطی به مجاهدین نداشت



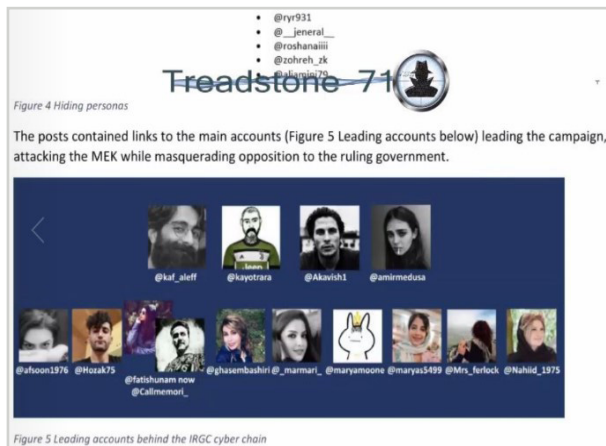
قربانعلی حسین‌نژاد در حال شناسایی و دادن اطلاعات به عناصر نیروی تروریستی قدس، قبل از حمله مزدوران نیروی قدس به اشرف در ۱۰ شهریور ۹۲

نمونه‌هایی از توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین به روایت تصویر

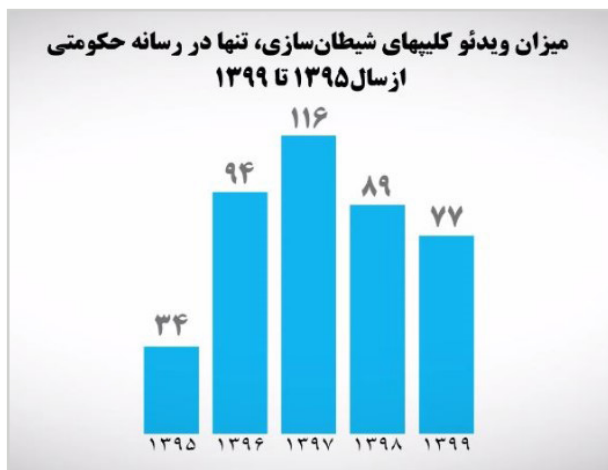


سیرک مزدوران خامنه‌ای - مالکی تحت پوش خانواده در اطراف اشرف با حضور عوامل و مزدوران وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس و جنگ روانی با ۳۲۰ بلندگو به مدت ۶۷۷ روز با هدف زمینه سازی حمله به اشرف و کشتار مجاهدین

نمونه‌هایی از توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین به روایت تصویر



رسوایی بزرگ بسیج سایبری رژیم، توسط شرکت امنیت سایبری تردستون ۷۱ درباره بسیج هماهنگ سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و مزدوران علیه رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در گردهمایی جهانی ایران آزاد در تیر ۹۹

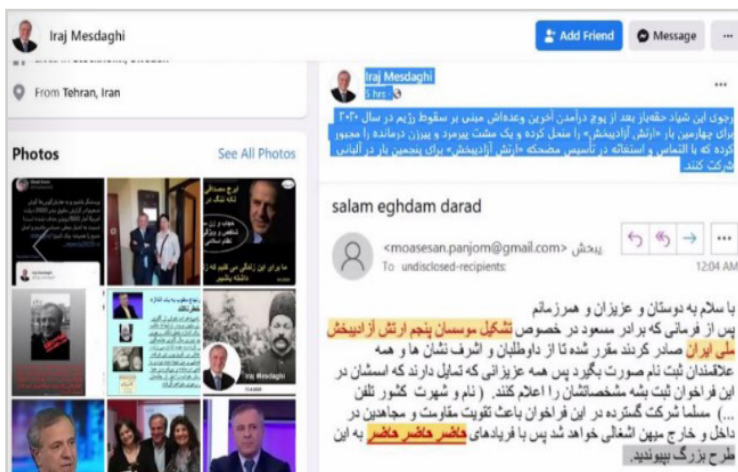


نمودار بخشی از مستندسازی‌های وزارت اطلاعات باهدف شیطان‌سازی مجاهدین

نمونه‌هایی از توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین به روایت تصویر



اسدالله اسدی دیپلمات تروریست و سه تروریست همکار وی امیر سعدونی - نسیمه نعیمی - مهرداد عارفانی در دادگاه بلژیک به جرم تلاش برای انفجار در گردهمایی مقاومت ایران در ویلپنت فرانسه در سال ۲۰۱۸ به زندان محکوم شدند



نمونه اقدامات سایبری رژیم و جعل ایمیل برای کسب اطلاعات از هواداران مقاومت

نمونه‌هایی از توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین به روایت تصویر



افشای شبکه تروریستی آخوندها علیه مجاهدین توسط رئیس پلیس آلبانی در
آبان ۱۳۹۸ و هم‌دستی بریده مزدور علیرضا نقاش‌زاده در این عملیات تروریستی

افشای مزدور وزارت اطلاعات فرشید نصرالهی



فرشید نصراللهی یکی از مأموران وزارت اطلاعات است که پس از همکاری تمام‌عیار با وزارت اطلاعات به‌ویژه علیه خانواده‌ها و هواداران مجاهدین در داخل کشور و اثبات سرسپاری و مزدوری در این ارگان آدمکشی و جنایت، به اروپا (دانمارک) اعزام شد. مأموریت او جاسوسی و نفوذ در جوامع و گروه‌های ایرانی به منظور شیطان‌سازی علیه مجاهدین بود.

وزارت اطلاعات تلاش می‌کند برای سفیدسازی عناصر نفوذی خود مانند فرشید نصراللهی در جوامع ایرانی، مسیر اعزام آنها از ایران و ارتباطاتشان با رژیم را بیوشاند.

فرشید نصراللهی در ایران و اروپا در دوچهره کاملاً متضاد ظاهر شده است. او در نمایش‌های وزارت اطلاعات در داخل کشور، در شمایل انصار حزب‌الله خامنه‌ای و در خارج از کشور با پز اپوزیسیون و مدره‌نمایی و با فکل و کراوات تحت پوش «عضو سابق» ظاهر شد. این ترفند اطلاعات برای سفیدسازی مأمورش توسط مجاهدین افشا و دست آن رو شد.

پروسه مزدوری و فعالیت‌های فرشید نصراللهی در داخل کشور

فرشید نصراللهی در ۱ مرداد ۱۳۸۴ از تیف (خروجی تحت کنترل آمریکایی‌ها) به نزد رژیم بازگشت. خبر بازگشت وی در یکی از سایت‌های تابعه وزارت اطلاعات تحت نام نجات در ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ درج گردید.

او پس از تخلیه کامل اطلاعاتی، به همکاری تمام‌عیار با وزارت اطلاعات و ارگان پوششی آن یعنی نجات پرداخت و لجن‌پراکنی و طومارنویسی علیه مجاهدین را آغاز کرد.

سه هفته بعد، نصراللهی در یک ندامت‌نامه در یکی دیگر از سایت‌های وزارت اطلاعات به اسم هابیلیان نحوه ورود خود به ایران را این‌گونه شرح داد و به همکاری با اطلاعات آخوندی اعتراف کرد:

«از آن روزی که من از طریق صلیب سرخ وارد فرودگاه مهرآباد شدم، برخورد بسیار خوبی با ما داشتند. حتی صحبت‌هایی که با من میکردند، میگفتند این اطلاعاتی که شما میخواهید به ما بدهید به درد ما نمیکورد.»

نصراللهی در ۸ شهریور ۸۴، در یک نمایش توبه و ندامت در زنجان، که توسط معاون جنایتکار دادگستری زنجان به اسم داوود محمدی، رونمایی شد، سرسپاری و آمادگی خودش برای مزدوری را اعلام کرد:

«داوود محمدی معاون رئیس کل دادگستری استان زنجان گفت: همه مسئولان نظام برای رهایی فرزندان این کشور از بند اسارت گروه‌های تروریستی تلاش میکنند. به گفته محمدی، رهایی یافتگان از بند اسارت فرقه رجوی میتوانند با ملحق شدن به انجمن نجات، زمینه نجات افراد دربند بیشتری را فراهم آورند. فرشید نصراللهی... گفت: من پس از بازگشت شاهد رأفت و مهرورزی مسئولان نظام بودم و از حقوق اجتماعی خود نیز برخوردار شده‌ام. او از اعضای خانواده اسیران دربند فرقه تروریستی منافقین درخواست کرد برای فراهم کردن زمینه آزادی فرزندان خود، با انجمن نجات همکاری کنند...» (ایرنا و سایت وزارت نجات ۷ شهریور ۸۴)



انجمن نجات

صفحه اصلی | تلکس خبری | مراکز استانی | چند رسانه‌ای | درباره انجمن | تماس | زبانهای دیگر

صفحه نخست | مطالب | اسامی آخرین دسته از جانشندگان مجاهدین

اسامی آخرین دسته از جانشندگان مجاهدین

نویسنده: انجمن نجات | در: 29 مرداد 1384

اسامی آخرین دسته از جانشندگان مجاهدین

این افراد در تاریخ 11/5/1384 با پشت کردن به مجاهدین، به ایران عزیز و به آغوش پرمحبت خانواده‌هایشان بازگشتند:

- 1-
- 2-
- 3-
- 4-
- 5-
- 6-
- 7-
- 8-
- 9-
- 10- فرشید نصراللهی



English | عربي | Shqip | جمعه ۱۳۸۴/۸/۱۷

کتابخانه

سرتیتر

هاپیلیان

پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم

صفحه اصلی | اخبار | یادداشت روز | قربانیان ترور | اسناد | حقوق بشر آمریکایی

سازمان جهنمی با پیرانی کودک

شهرتور: ۱۳۸۴ | چاپ | پست الکترونیک

خواست واقعا چقدر از آدم‌ها سل داشتند، چقدر هیاتیت داشتند، واقعا اینها را از خود نفر محلی نگه می‌داشتند. ولی اینجا چیزی که من دیدم یا چیزی که حتی در داخل کمپ آمریکایی‌ها که این نفرت کاملاً نفرت مخالف سازمان هستند، کاملاً متفاوت بود. از آن روزی که من از طریق صلیب سرخ وارد فرودگاه مهرآباد شدم، برخورد بسیار خوبی با ما داشتند. حتی صحبت‌هایی که با من می‌کردند، می‌گفتند این اطلاعاتی که شما می‌خواهید به ما بدهید به درد ما نمی‌خورد. ما فقط می‌خواهیم شما را به





داوود محمدی از دژخیمان وقت قضائیه خامنه‌ای در زنجان جلسه ندامت فرشید نصراللهی درباره جلدان قضائیه خامنه‌ای

فرشید نصراللهی برای اثبات ندامت و برای قبول توبه‌اش توسط جلاله دروغ، انتخاب خودش را هم منکر شده و گفت:

«من فرشید نصراللهی، متولد تهران و بزرگ شده زنجان هستم. در شهریور ماه سال ۱۳۸۰ از طریق یکی از اقوامم در دانمارک به گروهک منافقین پیوستم.

با این نیت که بروم ترکیه و از ترکیه به اروپا پیش خودش بروم. بعد از اینکه ما به ترکیه رفتیم، آنجا به ما گفتند که بعد از دو سه ماه که رفتید عراق، ما شما را منتقل می‌کنیم پیش خانواده تان یعنی دانمارک.

ولی این کار را نکردند و بعد از یکی دو ماهی که من توی قرارگاه اشرف ماندم، وقتی بهشان قضیه را گفتم، منکر این قضیه شدند» (سایت وزارت ی هابیلیان ۲ شهریور ۸۴)

این درحالی است که متن درخواست فرشید نصراللهی برای پیوستن به ارتش آزادی‌بخش ملی ایران موجود است.

درخواست پیوستگی انفرادی به ارتش آزادیبخش ملی ایران
تاریخ ۸۰.۸.۱۰
اینجانب زنده‌نصراللهی فرزند قربان دارای شناسنامه شماره ۸۷۷۴ متولد ۱۳۵۳ متولد تهران
تحصیلات فوق دیپلم . رتبه و تخصص نظامی -
به بدینوسیله درکمال آگاهی و اختیار اعلام می‌کنم که داوطلب پیوستگی به صفوف ارتش آزادیبخش
ملی ایران و نبرد علیه رژیم ضدبشری خمینی برای آزادی و همبستگی ایرانیان هستم ،
اطلاع کامل از مضار آئین نامه انضباطی ارتش آزادیبخش ، به کلیه موارد آن به‌ویژه تعهد
خدمت تا سرنگونی رژیم خمینی متعهد و ملتزم هستم . به دیهه است ، حفظ هرگونه اطلاعات و پای جان درصدد
تکلیفات قرار دارد و اینجانب در هر شرایطی آنرا رعایت خواهم نمود .

فرشید نصراللهی
تاریخ ۸۰.۸.۱۰

«درخواست پیوستگی انفرادی به ارتش آزادیبخش ملی ایران

تاریخ ۸۰.۸.۱۰

اینجانب فرشید نصراللهی فرزند قربان دارای شناسنامه شماره ۸۷۷۴ صادره
از تهران متولد ۱۳۵۳ تحصیلات فوق دیپلم. رتبه و تخصص نظامی -
به بدینوسیله درکمال آگاهی و اختیار اعلام می‌کنم که داوطلب پیوستن
به صفوف ارتش آزادیبخش ملی ایران و نبرد علیه رژیم ضدبشری
خمینی برای آزادی میهن اسیرمان هستم، بااطلاع کامل از مفاد آئین‌نامه
انضباطی [انضباطی] ارتش آزادیبخش، به کلیه موارد آن به‌ویژه تعهد
خدمت تا سرنگونی رژیم خمینی متعهد و ملتزم هستم. بدیهی است، حفظ
هرگونه اطلاعات تا پای جان درصدد این تعهدات قرار دارد و اینجانب در هر
شرایطی آنرا مراعات خواهم نمود.

فرشید نصراللهی

تاریخ ۸۰.۸.۱۰

فرشید نصراللهی پس از اثبات خودفروشی به رژیم و انجام مجموعه‌ای از اقدامات ننگین، از طرف وزارت اطلاعات، به‌عنوان مسئول یکی از شعب پوششی وزارت به نام نجات در زنجان گمارده شد.

او در مسیر مأموریت‌های محوله، در نمایشات لجن‌پراکنی وزارت اطلاعات علیه مقاومت ایران، در شهرهای مختلف چرخانده شد.

نصراللهی در ۸ مهر ۱۳۸۵ در اصفهان در جلسه‌ای در تالار صائب دانشکده علوم و ادبیات اصفهان با عنوان «همایش فرقه و تروریسم» شرکت کرد. عکس‌ها و فیلم‌های آن در سایت‌های وزارت اطلاعات منتشر شده و تصویر فرشید نصراللهی قابل‌رؤیت است. نصراللهی در تجمع دیگری در کنار سایر مأموران اطلاعات، در بیانیه‌ای از مالکی نخست وزیر وقت عراق، خواستار تعیین تکلیف کردن مجاهدان اشرف شدند:

«ما امضاکنندگان ذیل این بیانیه مسئولین و معاونین انجمن‌های نجات استان‌های کشور در نشستی که در تاریخ ۷ مهر ۸۵ در مهمانسرای ملت اصفهان برگزار شد، اعلام می‌داریم: از مواضع قاطع جناب آقای نوری‌المالکی نخست‌وزیر محترم دولت عراق - جناب آقای محمود المشهدانی ریاست محترم مجلس این کشور و جناب آقای موفق الربیعی در خصوص تعیین تکلیف سازمان مجاهدین خلق ایران تشکر نموده و خواستار پیگیری هر چه سریع‌تر این موضوع هستیم...»



وزارت اطلاعات آخوندها در ۷ مرداد ۸۷ نمایشی با حضور مزدوران و مأموران وزارت و خانواده‌های نجاتی در مقابل سفارت انگلیس در تهران برگزار کرد. در این نمایش که علیه حکم دادگاه انگلستان مبنی بر دستور خارج ساختن نام مجاهدین از لیست تروریستی ترتیب داده شده بود، مزدور فرشید نصراللهی در کنار سایر مزدبگیران وزارت اطلاعات نسبت به حکم قاطع دادگاه انگلستان که به نفع مجاهدین رأی داده بود، اعتراض کرد.

اعزام برای مأموریت «برون‌مرزی» در اروپا

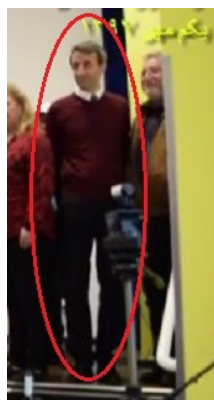
فرشید نصراللهی با اثبات مزدوری کامل به رژیم و طی کردن مدارج خیانت و همکاری، اعتماد لازم برای انجام عملیات برون‌مرزی از وزارت اطلاعات را کسب کرد و با هدف جاسوسی و شیطان‌سازی علیه مجاهدین به دانمارک اعزام شد.

نصراللهی از طریق شبکه خارج کشوری وزارت اطلاعات در دانمارک به دستگاه جاسوسی رژیم در اروپا وصل شد تا مانند دیگر مزدوران هم‌چون جواد فیروزمند، داوود باقروند و... در کشورهای مختلف، وظایف محوله از سوی وزارت بدنام را پیش ببرد. وی با مزدوران افشاشده‌ای همچون محمد کرمی، محمد رزاقی و... در ارتباط قرار گرفت.

در ژانویه ۲۰۱۸ با اوج‌گیری قیام در داخل، یکی از اقدامات ارگان‌های سرکوبگر رژیم همپای سرکوب در داخل، ایجاد تشکل‌های پوششی تحت‌عنوان اپوزیسیون در خارج کشور بود. نصراللهی همراه تعداد دیگری از مأموران دستگاه جاسوسی آخوندها مانند قربانعلی حسین‌نژاد، داوود باقروند، محمد کرمی و... به یکی از این تشکل‌ها فرستاده شد تا نقش مخبران دستگاه جاسوسی آخوندها را با عناوین پوششی اعمال کنند.



مزدوران قربانعلی حسین نژاد، محمد کرمی، عیسی آزاده،
عبدالکریم ابراهیمی، زهرا معینی و فرشید نصراللهی



ترندهای وزارت اطلاعات برای سفیدسازی سوابق مزدوران

وزارت اطلاعات برای نفوذ دادن عناصری مانند فرشید نصراللهی در جوامع ایرانی تلاش می‌کند مسیر اعزام آنها از نزد رژیم یا ارتباطاتشان با وزارت اطلاعات را بپوشاند.

در همین رابطه مزدور نصراللهی برای سفیدسازی سوابق ننگین خود در شعبات اطلاعات و نجات در داخل کشور به دروغگویی روی آورد.

نصراللهی در مصاحبه با سعید بهبهانی مجری یکی از بلندگوهای وزارت اطلاعات، به نام «میهن.تی.وی» تلاش کرد سوابق مزدوری‌اش را بپوشاند:

«۱۰-۱۵ سالی هم در اشرف و تیف و بعد کردستان و ترکیه و بالاخره به دانمارک آمدم.»

دروغگویی‌های فرشید نصراللهی در سایت «ایران افشاگر» افشا گردید.

فرار به جلو نصراللهی پس از رو شدن دست وزارت اطلاعات

بعد از افشای مزدور نصراللهی در شهریور ۹۸ در سایت ایران افشاگر، وزارت اطلاعات در یک فرار به جلو او را به میدان فرستاد تا اعزام خود توسط وزارت را تکذیب کرده و درمقابل به مجاهدین تهاجم کند که:

«من چون مخالف مجاهدین هستم، به من مارک وزارت اطلاعاتی و رفتن به ایران میزنند»

برای سفیدسازیِ دروغ بزرگ وی، یک نمایش فضاحت‌بار ترتیب داده شد. مزدور نصراللهی با داستان‌سرایی، ادعا کرد که تا پایان بستن تیف (خروجی تحت کنترل آمریکایی‌ها) یعنی تا سال ۱۳۸۷ در تیف بود.

در حالی که همچنان که فوقاً توضیح داده شد در فاصله زمانی مرداد ۱۳۸۴ تا مرداد ۱۳۸۷ عکس‌ها و فیلم‌های مزدوری او در نجات و سایت‌های وزارت اطلاعات منتشر شده بود. درجایی از این نمایش مفتضح سفیدسازیِ مزدور نصراللهی، یکی از حضرات سؤال کرد:

«عکسی که از آقای نصراللهی با ابراهیم خدابنده نشان داده شده مربوط به چه سالی است و کجا گرفته شده؟»
وی با شیادی و به دروغ گفت:

«این عکس در سال ۸۸ گرفته شده یعنی موقعی که ما می خواستیم به کردستان برویم. آقای ابراهیم خدابنده به اتفاق چند نفر دیگر آمدند آنجا و خانواده ها، آمدند آنجا و با همه ملاقات کردند. من هم با آن ها ملاقات کردم...»
گرداننده اصلی نمایش هم، حکم قطعی از پیش صادر شده را این گونه اعلام کرد که:
«مرسی؛ بنابراین شما معتقدید که این عکس در اصفهان گرفته نشده است بلکه در عراق و در تیف! خیلی ممنون...»
همین استدلالات سخیف و کذب در آن نمایش باعث شد که دست خالی وزارت اطلاعات در مقابله با مجاهدین، برای سفیدسازی مهره اش، فرشید نصراللهی بیشتر رو شود.

21 hrs - G

موضوع :

رویارویی فرشید نصراللهی
با اتهامات وارده از جانب
سازمان مجاهدین خلق

برنامه یکشنبه پیش رو
31 شهریور - 22 سپتامبر

8:30 شب تهران
6 عصر اروپای مرکزی
9 صبح کانفرنیا

پیامگیر مهستان به شماره
004915219207943

پخش زنده از:
تلویزیون کاتال یک
تلویزیون مبین
و رسانه های اجتماعی مهستان

فرشید نصراللهی همراه سعید بهبهانی مجری
میهن.تی.وی یکی از بلندگوهای وزارت اطلاعات

ادامه دروغ گویی‌ها

این مزدور دربارهٔ عکس مشترکی که با ابوالقاسم یغمایی صحنه گردان شعبهٔ وزارت در یزد از او منتشر شده بود نیز، با شیادی خاص آخوندها گفت:

«بله ایشان برادر آقای اسماعیل یغمایی‌اند. ابوالقاسم وفا یغمایی... عموی این امیر وفا یغمایی که همین آقای ابوالقاسم وفا یغمایی می‌شود برای پیگیری کار ایشان برای اینکه ایشان را بتواند نجات بدهد و از تیف بتواند منتقلش کند بفرستد فرانسه پیش پدرش و یا جای امن تلاشش را می‌کرد. این عکسی بود که آنجا آمد برای ملاقات و باهم ملاقات کردیم. انسان بسیار شریف، بسیار وارسته، مثل خود آقای اسماعیل وفا یغمایی...!»

نصراللهی نمی‌گوید منظورش از «آنجا» کجاست؟

ولی با کمی دقت در تصاویر منتشرشده در سایت‌های اطلاعات روشن می‌شود که «آنجا» نه کردستان و نه تیف، بلکه همان دانشگاه اصفهان است و این عکس‌ها هم مربوط به حاشیهٔ همان جلسه است.

اما شنیع‌ترین دروغ مزدور نصراللهی در این نمایش اطلاعات، قسمتی است که می‌خواهد عکس خودش در نمایش وزارت اطلاعات در جلوی سفارت انگلیس در تهران در مرداد ۸۷ را رفع و رجوع کند. وی گفت:

«من چند تصویر نشان می‌دهم به شما، یکی از تصاویر که برداشته از این تصویر است، تصویر خانواده‌هایی است که برای دیدن خانواده‌هایشان آمده بودند تصویر بعدی که برداشته، از این فیلم برداشته، خانواده‌هایی است که در پشت درب اشرف برای دیدن عزیزانشان آمده بودند. حتی اجازه ملاقات با خانواده‌ها را نمی‌دادند. چندین بار خانواده‌های ما به عراق آمدند که با ما ملاقات بکنند و ما را ببینند بعد از سالیان، ولی متأسفانه این‌ها اجازه این کار را نمی‌دادند. من به خاطر وقت‌گیری مجبورم این‌ها را بزنم؛ و از این تظاهراتی که بوده از تصاویرش را برداشته‌اند بریده‌اند و فتوشاپ کرده‌اند برای این قضیه، این تصاویر خانواده‌های است که در روبروی اشرف در عراق بوده‌اند این تصویر را مثلاً برداشته‌اند چسبانده‌اند، عکس مرا چسبانده‌اند اینجا.

یک چیزی هم آنجا چسبانده‌اند این را مثلاً به اسم من. این‌ها تمام خانواده‌هایی هستند

و این عکس بچه‌هایشان است که توی اشرف بودند.»

نصراللهی با طرح موضوع فتوشاپ و عکس‌های جعلی که مأموران سایبری وزارت اطلاعات در آن بسیار متبحر هستند، تلاش کرد برگزاری چنین تجمعی توسط وزارت اطلاعات در تهران را از اساس منکر شود.

اما عنوان خبرگزاری رسمی رژیم یعنی ایسنا در پایین عکس نصراللهی در جلوی سفارت انگلستان در تهران که حتی اسم عکاس هم بر روی آن دیده می‌شود، گویای واقعیت دیگری است. مضافاً بر اینکه در همان تاریخ خبر این تجمع در رسانه‌های خود رژیم نیز منعکس شده بود.

هرچند مزدور نصراللهی می‌خواست با تغییر قیافه و ژست کار فرهنگی، گذشته ننگینش به فراموشی سپرده شود؛ اما فراموش کرده بود که در دوره خدمت‌رسانی به رژیم در داخل کشور، چقدر تلاش می‌کرد که حتماً تصویرش در قاب دوربین‌ها بیافتد تا مزدوری‌اش مورد قبول وزارت بدنام قرار بگیرد.





فرشید نصراللهی با ابوالقاسم یغمایی



فرشید نصراللهی با ابراهیم خدابنده در دانشگاه اصفهان ۱۰ مهر ۱۳۸۵



فرشید نصراللهی در تجمع مزدوران مقابل سفارت انگلیس
در تهران در حال تهیه فیلم و عکس - مرداد ۸۷

magiran

مجلات علمی | مجلات تخصصی | مجلات عمومی | روزنامه‌ها

کلمات یا عبارت مورد نظر خود را درج کنید و کلید جستجو

مجله‌ها ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۰ | ۳۱ | ۳۲ | ۳۳ | ۳۴ | ۳۵ | ۳۶ | ۳۷ | ۳۸ | ۳۹ | ۴۰ | ۴۱ | ۴۲ | ۴۳ | ۴۴ | ۴۵ | ۴۶ | ۴۷ | ۴۸ | ۴۹ | ۵۰ | ۵۱ | ۵۲ | ۵۳ | ۵۴ | ۵۵ | ۵۶ | ۵۷ | ۵۸ | ۵۹ | ۶۰ | ۶۱ | ۶۲ | ۶۳ | ۶۴ | ۶۵ | ۶۶ | ۶۷ | ۶۸ | ۶۹ | ۷۰ | ۷۱ | ۷۲ | ۷۳ | ۷۴ | ۷۵ | ۷۶ | ۷۷ | ۷۸ | ۷۹ | ۸۰ | ۸۱ | ۸۲ | ۸۳ | ۸۴ | ۸۵ | ۸۶ | ۸۷ | ۸۸ | ۸۹ | ۹۰ | ۹۱ | ۹۲ | ۹۳ | ۹۴ | ۹۵ | ۹۶ | ۹۷ | ۹۸ | ۹۹ | ۱۰۰

رساله

شماره ۵ مرداد ۱۳۸۷ شماره ۲۲۲

سیاسی

خاندان‌های اعضای گروهک منافقین: دولت انگلیس شانس دیگری به منافقین داده است

خاندان‌های اعضای گروهک منافقین با تجمع مقابل سفارت انگلیس در تهران اقدام کردند: دولت انگلیس این شانس را به سرکردگان گروهک منافقین داده است تا به قریب درباره اعضای خود در عراق ادامه دهند.

به گزارش فارس، جمعی از خاندان‌ها و اعضای جدانشده از گروهک تیوریستی منافقین دیروز با تجمع در مقابل سفارت انگلیس در تهران به اقدام این کشور درباره خروج نام گروهک منافقین از لیست گروه‌های تیوریستی به شدت اعتراض کردند.

تجمع کنندگان که تعدادشان به بیش از ۲۰۰ تن می‌رسید، با سردادن شعارها و حمل پلاکاردهایی نظیر «فریاد تیوریست فرزند دروغ است»، «انگلیستان به تیوریسم مشروعیت بخشیده»، «دولت انگلیستان آلتراتیو جدام دیگاتور

انتشار «کدهای آخوند ساخته» توسط مأمورانی نظیر فرشید نصراللهی

حضور مزدورانی مثل نصراللهی که یکبارہ سر از اروپا درآورده و تلاش می‌کنند خود را به هر رنگی درآورده و به هر جمعی نزدیک شوند، از سر اتفاق نیست. آنها مأموریت دارند، خواسته‌های وزارت اطلاعات علیه مجاهدین را در مجامع بین‌المللی به پیش ببرند.

دستگاه اطلاعاتی و تروریستی رژیم سالهاست که مأمورانش را بعد از آموزش‌های لازم به خارج می‌فرستد تا با ایجاد پوشش مناسب، علیه یگانه آلترناتیو قدرتمند و سازمان‌یافته‌اش یعنی مجاهدین، هراس افکنی کرده و یاه‌سرایبی کنند.

آنها را آموزش میدهد که چگونه پُرز اپوزیسیون بگیرند، به رژیم و حتی خمینی دشنام بدهند تا هرچه موجه‌تر و مقبول‌تر واقع شود؛ رژیم برای مأموران خودش تنها یک رمز سرخ دارد و آن هم مجاهدین هستند.

لذا با صرف هزینه‌های بسیار و حل مسائل آنها در خارج کشور، به آنها دست باز می‌دهد که هرچقدر می‌خواهند به رژیم دشنام بدهند، اما تلاش آنها بر روی القاء این نکته متمرکز باشد که مجاهدین از این رژیم جنایتکار، بدترند. پس حفظ این رژیم بهتر از پیشروی مجاهدین است.

حرف مأموران و مرتبطين به ولایت روشن است:

«هر راهی بروید به‌جز راه مجاهدین».

مأموریت اصلی، سمت دادن افراد به هر سمت و سویی، الا سمت مجاهدین.

نگاهی به برخی از کدهای وزارتی و تکرار آنها توسط نصراللهی

«روزی هم که وارد سازمان مجاهدین شدم راهی و ظرفی برای مبارزه جز سازمان

مجاهدین نبود و هیچ تشکیلات منسجمی وجود نداشت که ما در آن حرفمان را بزنیم و مبارزه‌مان را بکنیم ولی الآن این جوری نیست. گفتمان سکولار دموکراسی یک گفتمان نو و پیشرو و آینده‌نگر است همان چیزی که بقیه سازمان‌های ایدئولوژیک ندارند.» (بلندگوی وزارت اطلاعات تحت عنوان میهن. تی.وی - ۱۲ مرداد ۹۸)

طرح اتهامات و القاءات مورد نیاز وزارت اطلاعات

«به نظر من کنفدراسیون یک تجربه جدی برای اپوزیسیون بود. اتحاد گرگ و میش نمی‌شه. این پیوند نامبارک گرگ و میش حتماً جانوری به اسم خمینی خواهد داشت. ما در اتحاد، اتحادی که می‌شنویم باید خیلی هوشیار باشیم. با کسانی که هنوز درگیر مسائل ضد امپریالیستی هستند نمی‌شه اتحاد کرد. با کسانی که هنوز درگیر لچک هستند درگیر سینه‌زنی هستند و درگیر پرچم یا ابوالفضل و یا حسین هستند نمی‌شود اتحاد کرد... هیچ کس آمار دقیقی از مردم ایران ندارد که چه می‌خواهند ولی همه میدانیم که یک حکومت جدایی مذهب از سیاست و دولت. چه پادشاهی چه جمهوری خواهی. تمام جریانات دموکراسی خواه این را میگویند از رضا پهلوی تا جمهوری خواه... جنبش دموکراسی خواهی نباید اجازه چلبی سازی بده نباید بازتولید استبداد شود و از چاله به چاه ویل بیفتیم...» (همان منبع - ۶ اسفند ۹۷)

بازنشر یاوه‌های اطلاعات آخوندی در رسانه‌های خارج کشوری وزارت اطلاعات

«در مورد سازمان مجاهدین دو مسئله هست. یکی بحث سازمان مجاهدین است و نفراتی که عضو این سازمان شده‌اند که هدفشان جز عشق به آزادی و وطن نبوده ولی خب گرفتار یک ایدئولوژی شده‌اند آنجا و ما یک روزی به این نتیجه رسیدیم که حتی دشمن، آن ایدئولوژی در مقابلش باشد نمی‌تواند مسئله‌ای از مردم ایران حل کند...» (همان منبع - ۱۲ مرداد ۹۸)

بی‌تردید کسانی که این‌گونه در خدمت رژیم جهل و جنایت و غارت و چپاول و در خدمت ماشین سرکوب و اختناق خامنه‌ای قرار می‌گیرند هزاربار از پاسداران و بسیجی‌های رژیم کثیف‌تر و ضد ایرانی‌ترند.

تأکید بر این نکته ضروری است که اگرچه تمرکز وزارت اطلاعات در خارج کشور روی مخالفین اصلی رژیم است اما تمامی جامعهٔ ایرانیان را دربرمی‌گیرد. به همین جهت شناسایی و افشای فعالیت‌های رژیم و مأموران و مزدورانش یک ضرورت و یک وظیفهٔ ملی و میهنی برای هر ایرانی است.

افشای مزدور وزارت اطلاعات عیسی آزاده



عیسی آزاده یکی از مأموران وزارت بدنام است که بعد از گذراندن آموزش و توجیهات توسط وزارت اطلاعات در ایران، طبق طرحی مشخص به فرانسه اعزام شد. او مأموریت جاسوسی و شیطان‌سازی از مجاهدین را برعهده دارد.

سوابق و فعالیت‌ها

عیسی آزاده در دی ۱۳۹۱ به هتل مهاجر بغداد که تحت کنترل وزارت اطلاعات رژیم ایران قرار داشت، رفت.

وی از طریق پاسدار سرتیپ نیروی تروریستی قدس، سجاد کیانمهر که مسئولیت هدایت فعالیت‌های اطلاعاتی علیه مجاهدین و ارتباط با خائنین و بریده‌ها در هتل مهاجر بغداد را برعهده داشت، به خدمت وزارت اطلاعات درآمد و زیر نظر سجاد و دو پاسدار دیگر از مأموران سفارت رژیم در بغداد به نام‌های موسوی و حسینی، به همکاری تمام عیار با رژیم و وزارت

اطلاعات پرداخت. وی سپس به ایران برده شد تا تحت آموزش‌های مشابه «مسعود دلیلی»، راهنمای قتل عام ۱۰ شهریور ۹۲ در اشرف قرار گیرد. پس از وصل عیسی آزاده به سجاد، سایت‌های زنجیره‌ای رژیم، ورود این خائن به جرگه مأمورین وزارت را تبریک گفتند:

«پیام تبریک علی مرادی، به مناسبت رهایی آقایان کریم قصیم و روحانی - با سلام و خوشآمد خدمت شما دوستان سابق و جدید الاحق و سلام و تبریک به آقای اسماعیل وفاغمایی و عیسی آزاده و همه آزاده‌های دیگر که علیه قوانین برده‌داری و اسارت فرقه رجوی سر به شورش برداشتاید و یکی پس از دیگری اردوی رجوی را به مقصد دنیای آزاد ترک میکنند» (یکی از سایت‌های وزارت ۲۱ خرداد ۹۲)

عیسی آزاده برای خدمت به وزارت اطلاعات، بریده‌ها را با تهدید یا تطمیع برای عضوگیری یا تن دادن به مزدوری، تحت فشار می گذاشت. در همان ایام سایت‌های وزارتی به حضور افراد خائنی که تحت کنترل وزارت اطلاعات قرار گرفته بودند اعتراف کردند:

«به گزارش انجمن دفاع از قربانیان تروریسم به نقل از سایت سراج ۱۴، بنابر اعلام یک مقام که نخواست نامش فاش شود، افزود: ۱۲ فراری دیگر این گروه برای دریافت اطلاعات از این گروهک... در اختیار نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار دارند. (یک سایت وزارتی - اول آذر ۹۱)

English | العربية | اردو | فارسی | زبان‌های دیگر | تماس با ما

Edalat (Justic) Society
Families of Terrorism Victims

انجمن عدالت

انجمن عدالت (Justic Society) به منظور حمایت از قربانیان تروریسم و خانواده‌های آنان تشکیل شده است. این انجمن با هدف آشنایی بیشتر مردم با تروریسم و خانواده‌های قربانیان و همچنین حمایت از حقوق آنها فعالیت می‌کند.

این انجمن در تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲، طبقه ۱۴، در کنار ساختمان عدالت واقع شده است.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست الکترونیک: info@edalat.org

این انجمن در تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲، طبقه ۱۴، در کنار ساختمان عدالت واقع شده است.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست الکترونیک: info@edalat.org

نویید رهایی از فرقه تروریستی رجوی

سازمان: نیروهای اطلاعاتی امنیتی - هشتاد و نه

فرانسه | آمریکا | ایران | پاکستان | هند | چین | روسیه | هندوکش | هندوکش | هندوکش

دولت عراق و سازمان ملل و کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا برای

بازگشت تمامی قربانیان تروریسم و

روشنایی

تاریخ: ۱۳۸۵ خرداد ۱۳۸۵

با سلام و خوش آمد خدمت شما دوستان سابق و جدید الاحق و سلام و تبریک به آقای اسماعیل وفاغمایی و عیسی آزاده و همه آزاده‌های دیگر که علیه قوانین برده‌داری و اسارت فرقه رجوی سر به شورش برداشته اند و یکی پس از دیگری اردوی رجوی را به مقصد دنیای آزاد ترک میکنند.

تاریخ: ۱۳۸۵ خرداد ۱۳۸۵

با سلام و خوش آمد خدمت شما دوستان سابق و جدید الاحق و سلام و تبریک به آقای اسماعیل وفاغمایی و عیسی آزاده و همه آزاده‌های دیگر که علیه قوانین برده‌داری و اسارت فرقه رجوی سر به شورش برداشته اند و یکی پس از دیگری اردوی رجوی را به مقصد دنیای آزاد ترک میکنند.

تاریخ: ۱۳۸۵ خرداد ۱۳۸۵

در آن زمان مجاهدین مستقر در کمپ لیبرتی و اشرف، در شرایط محاصره همه‌جانبه از سوی عوامل عراقی رژیم که زیرنظر نیروی تروریستی قدس عمل می‌کردند، قرار داشتند.

رژیم در یک توطئه گسترده قصد داشت با انتقال مجاهدین از اشرف به لیبرتی با افزایش فشار بر آنان، ایستادگی‌شان را درهم شکسته و آنها را به تسلیم بکشاند. مارتین کوبلر هم که در آن ایام نماینده یونانی در عراق بود، خط انحلال تشکیلات مجاهدین را هم‌سو با رژیم دنبال می‌کرد. وی که توسط رژیم متقاعد شده بود با این انتقال حداقل ۱۶۰۰ نفر از مجاهدین خود را تسلیم خواهند کرد در یک اقدام خیانت‌بار، دست مزدوران و کارمندان یونانی را برای پیشبرد این خط کاملاً باز گذاشت.

عیسی آزاده با کمک دستیار افغانی مارتین کوبلر به اسم مسعود دورانی، پیغام‌های وزارت اطلاعات را برای برخی از ساکنان لیبرتی می‌فرستاد و آنها را دعوت به جاسوسی و خیانت و همکاری با رژیم و مزدورانش می‌کرد. این اقدامات خائنانه در همان زمان با شدیدترین اعتراضات توسط مجاهدین مواجه و علنی شد.

درهمین رابطه، نماینده ساکنان اشرف در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۳ به یونانی نوشت:

«مسعود دورانی یکی از افراد کوبلر به یکی از ساکنان مراجعه کرده و پیام "یک مأمور اطلاعات ملایان به نام عیسی آزاده" را به او داده است».

نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت نیز در همان روز در نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد از این که کارمند یونانی «پیام یکی از افرادی که قبلاً لیبرتی را ترک کرده و هم اکنون در خدمت وزارت اطلاعات رژیم ایران قرار دارد» را به یکی از ساکنان لیبرتی منتقل کرده است، به شدت اعتراض کردند.

از دیگر اقدامات خائنانه مزدور عیسی آزاده دادن اطلاعات مربوط به نقاط اصابت موشک به لیبرتی به عوامل رژیم بود تا در حمله بعدی گرای اهداف موردنظر را تصحیح کنند. وی اطلاعات اماکن مختلف لیبرتی را در اختیار دژخیمان قرار داد و در طراحی حمله موشکی بعدی به لیبرتی شرکت کرد.

توجیهات و آموزش عیسی آزاده در ایران

در اسفند سال ۱۳۹۲، کمیسیون امنیت و ضدتروریسم جزئیاتی از به خدمت گرفتن این مزدور توسط رژیم را برای اولین بار افشا کرد. پس از اینکه سرسپاری مزدور عیسی آزاده علیه مجاهدین در عراق و هتل مهاجر مورد قبول وزارت اطلاعات قرار گرفت، گشتاپوی آخوندی او را جهت کسب آمادگی برای مأموریت‌های بعدی تأیید کرده و یک پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۸۵ با تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ برای این مزدور صادر کرد.

در آبان ۱۳۹۲ وزارت اطلاعات عیسی آزاده را برای «توجیه و آموزش» درباره مأموریت‌های جدیدش به ایران برد. اما حضور وی در ایران را به‌طور کامل مخفی نگه‌داشت و حتی خود او را از بسیاری از بستگانش پنهان کرد تا در صورت لزوم مدعی شود عیسی آزاده به‌صورت مستقیم از عراق به اروپا رفته‌است.

لازم به ذکر است که دختر این مزدور به اسم نوشین آزاده، که همسرش یک اطلاعاتی به نام محسن آستانی است در مأموریت اکیپ‌های وزارتی در آبان ۱۳۸۹ در سیرک وزارت در اطراف اشرف شرکت داشت.

او با حضور در نمایش‌ها، مصاحبه با مزدوران و مأموران وزارت و فحاشی و سنگ‌پراکنی به مجاهدان اشرفی، خواستار بازگشت عیسی آزاده به ایران شده بود.





اعزام به فرانسه توسط وزارت اطلاعات

مزدور عیسی آزاده پس از تکمیل توجیهات و آموزش‌ها توسط وزارت اطلاعات در ایران، مخفیانه به فرانسه فرستاده شد تا با کسب پناهندگی در این کشور، مأموریت‌های محوله را در پوش پناهنده بودن، انجام دهد. طبق دستورالعمل وزارت اطلاعات به او تأکید شده بود تا زمانی که مسئله پناهندگی‌اش حل نشده است، از ارتباط و تماس با سایر مزدوران رژیم در خارج از کشور خودداری کند تا مأموریت و ماهیت او برملا نشود. در فروردین ۱۳۹۳، کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت، هدف رژیم از اعزام عوامل اطلاعات به اروپا برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات و زمینه‌سازی تروریسم را برملا کرد. در این اطلاعیه آمده بود:

«وزارت اطلاعات فاشیسم دینی حاکم بر ایران، به اعزام عوامل خود به اروپا تحت عنوان پناهنده برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات از آنها و زمینه سازی برای اقدامات تروریستی ادامه می‌دهد. یکی از نمونه‌ها اعزام مزدوری به نام «عیسی آزاده» به فرانسه است که جزئیات ارتباطات او با وزارت اطلاعات سال گذشته در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم به تاریخ ۴ اسفند ۱۳۹۲ افشا شد.»

در همین رابطه یکی از هموطنان غیرتمند مستقر در فرانسه، در ۱۹ دی ۹۳ در نامه‌ای به سایت مجاهد، در مورد این مزدور نوشت:

«من یک دانشجوی ایرانی و مقیم فرانسه و از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران هستم. در مجمعی که زندگی می‌کنم با فرد مشکوکی به نام عیسی آزاده آشنا شدم. او به تازگی به فرانسه آمده و از دولت فرانسه درخواست پناهندگی کرده و در لیست انتظار قرار دارد. او به تازگی به طرفداری از نظام منفور جمهوری اسلامی پرداخته و انتقادات توهین‌آمیز از مجاهدین می‌کند. او هر شب شراب قرمز فرانسوی می‌نوشد و در حالت مستی به نقدهای توهین‌آمیز از مجاهدین و شخص برادر رجوی وبلاگ می‌نویسد. به گفته خودش پس از جداشدن از سازمان به ایران رفته و مدتی در ایران بوده و به تازگی به فرانسه آمده و از دولت فرانسه درخواست پناهندگی کرده است...»

مأمور گشتاپوی آخوندی پس از این که حضور قانونی‌اش در فرانسه به کمک رژیم حل شد، به یکی از عوامل همیشه در صحنه، علیه مجاهدین و مقاومت ایران تبدیل شد.

وی از هیچ خیانت و رذالتی علیه مجاهدین ابایی نداشته و ندارد. ذیلاً به برخی دیگر از اقدامات وی اشاره می‌شود.

نمایش «منشعبین» با رئیس جمهور سوتنه‌دلان

مزدور عیسی آزاده پس از رسیدن به فرانسه، ابتدا تلاش کرد تا در چارچوب مأموریت محوله، خودش را هم‌زمان، هم اپوزیسیون رژیم و هم اپوزیسیون مجاهدین جابیاندازد.

به همین خاطر وزارت اطلاعات نمایشی تحت عنوان «انشعاب‌سازی در مجاهدین» توسط عیسی آزاده، قربانعلی حسین‌نژاد و داوود باقروند، به راه‌انداخت. برای اعلام این سناریوی مضحک، این سه مزدور به دیدار بنی‌صدر، کسی که افتخارش این بود که «اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی فاشیسم مذهبی» را در مجلس خبرگان آخوندی به رشته تحریر آورده بود، رفتند، تا شاید با هم جوش بخورند.

روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۹۴ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۵ هیأتی از اعضا و مسئولین قدیمی منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران شامل آقایان قربانعلی حسین‌نژاد و داوود باقروند ارشد و عیسی آزاده از اعضا و فرماندهان سابق سازمان مجاهدین با آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس جمهور منتخب مردم ایران در محل اقامت ایشان در حومه پاریس دیدار کرده و با ایشان در مورد تجارب و مشاهدات خودشان طی بیش از سه دهه در داخل تشکیلات این سازمان که دیگر تبدیل به یک فرقه شده است گفتگو کردند. (یک سایت وزارت ۱۲ اردیبهشت ۹۴)

این مزدوران هنوز به هم جوش نخورده بلافاصله خودشان از هم‌دیگر انشعاب کردند.



عیسی آزاده - ابوالحسن بنی صدر - داوود باقروند - قربانعلی حسین نژاد

ارتباط عیسی آزاده با یکی از دژخیمان اطلاعات آخوندی

به نام مصطفی رودکی

با انتقال تشکیلات مجاهدین از عراق به آلبانی در سال ۹۵، فعالیت‌های اطلاعاتی در کشور آلبانی از اهمیت بالایی برای وزارت اطلاعات برخوردار شد. به همین علت وزارت اطلاعات مصطفی رودکی، یکی از مهره‌های سابقه‌دار خود را با عنوان پوششی دبیراؤل در سفارت رژیم در آلبانی منصوب کرد. عیسی آزاده از جمله مزدورانی بود که برای پشتیبانی از فعالیت‌های مصطفی رودکی در ارتباط با وی قرار گرفت.

رودکی با پرداخت پول از طریق مزدور عیسی آزاده به بریده مزدوران، آنها را برای توطئه‌های اطلاعات و شیطان‌سازی مجاهدین به کار می‌گرفت.

یکی از مأموریت‌های وی جاسوسی و کسب اطلاعات از مجاهدین اشرف ۳ از طریق مزدوران ساکن آلبانی، و لجن‌پراکنی علیه آنها بود. محمد تورنگ مزدوری است که از آلبانی به زیرعبای ملا در ایران بازگشت. وی خطاب به عیسی آزاده پیام یک پادوی وزارتی به نام رضا اسلامی در آلبانی را منتقل کرد و نوشت:

«عیسی سلام کجایی تورنگم چوک قشم رضا اسلامی سلام رساند، شمارهات میخواست»



هم‌زمان با برگزاری گردهمایی سالیانه مقاومت ایران در ویلپنت پاریس مزدور عیسی آزاده در مصاحبه با کانال حکومتی جام‌جم رژیم، به رله و تکرار اتهامات وزارت اطلاعات علیه مقاومت و مجاهدین پرداخت:

«اصلی‌ترین علتی که من از [مجاهدین] جدا شدم به‌خاطر طلاق‌های اجباری بود،

جدا کردن کودکان از مادرانشان بود و همچنین دخالت‌های بیجا در کشور عراق؛ من خودم شاهد کشتار شیعیان در انتفاضه شعبانیه در عراق بودم، من خودم شاهد کشتار اکراد در شمال عراق توسط [مجاهدین] بودم...» (تلویزیون جام جم رژیم کانال یک ۱۰-تیر ۱۳۹۷)

هرچند وی توضیح نمی‌دهد چگونه پس از ۲۱ سال به یک‌باره متوجه کشتار اکراد و دخالت‌های مجاهدین در کشور عراق شده است!

در روز ۱۵ تیر ۹۶ یک آخوند خودفروخته لبنانی به نام حسینی (از اعضای سابق حزب الله) از بیروت به پاریس رفت. هزینه سفر و هتل او در پاریس توسط احمد ظریف افسر اطلاعاتی سفارت رژیم در فرانسه و از طریق مزدور قربانعلی حسین‌نژاد پرداخت شده بود.

قربانعلی حسین‌نژاد با یکی دیگر از عوامل اطلاعات، آخوند لبنانی را در فرودگاه تحویل گرفته و به یک هتل به نام «سنت اونور» برده و در زیرزمین یک رستوران، با حضور حدود ده نفر او را به نمایش گذاشتند تا ضمن توبه و ندامت به سبک اعتراف‌گیری اجباری بازجویان وزارت، از رابطه با مجاهدین و مقاومت ایران ابراز ندامت کرده و حرف‌های وزارت علیه تشکیلات مجاهدین را رله و تکرار کند:

«... وظیفه اول شما تلاش برای نجات بقیه اسیران تشکیلات این فرقه در آلبانی و رسیدگی و کمک به جداشدگان در آنجا می‌باشد و من نیز از هیچ کمک تبلیغی و رساندن صدای شما و آنان به مجامع و مسئولان بین‌المللی و منطقه‌ای به ویژه در رابطه با ضرورت ابتدایی ترین حقوق انسانی آنان یعنی ارتباط با دنیای خارج و تماس و دیدار با خانواده‌هایشان، دریغ نمیکنم و این کفاره گناهان همه‌مان در حمایت از فرقه می‌باشد». (قربانعلی حسین‌نژاد ۱۸ تیر ۹۶)

در بخشی از اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم درباره آخوند خودفروخته لبنانی محمدعلی حسینی که در ۱۸ تیر ۱۳۹۶ منتشر شد، آمده است:

«وزارت اطلاعات در پی گردهمایی بزرگ ایرانیان در پاریس که ارکان رژیم آخوندی را به لرزه درآورده است، از سر استیصال از ماهیت این آخوند خودفروخته پرده برداری کرد و در روز ۱۷ تیرماه او را برای لجن پراکنی علیه مقاومت ایران همراه با مأموران پیشانی سیاه مانند قربانعلی حسین نژاد، محمد کرمی، عیسی آزاده، رضا جبلی، داود باقروند، زهرا معینی، علی اکبر راستگو، محمدحسین سبحانی، مهدی خوشحال و محمد رزاقی (معروف به محمد رذل) در زیرزمین رستورانی وابسته به اطلاعات آخوندی (با نام تهران) در منطقه ۱۵ پاریس مورد مصرف قرار داد. برخی از این مزدوران که مدارک و سوابق مزدوری یکایک آنها پیش از این افشا شده است، در کشورهای مختلف پرونده جنایی دارند... آخوند خودفروخته که با مأموران وزارت اطلاعات و نیروی قدس در بیروت و دوحه و پاریس در ارتباط است، در این اثنا بارها به قطر سفر کرده و در جلساتی که توسط سرویس های مربوطه راه اندازی و تأمین مالی شده به سخنرانی پرداخته است. وی سال گذشته به مدت دو هفته به همراه خانواده اش در یکی از هتل های پاریس میهمان سرویس مربوطه بود.»

در اطلاعیه دیگری که در ۱۳ مرداد ۱۳۹۶ توسط شورای ملی مقاومت منتشر شد، طرح اطلاعات آخوندی برای سفیدسازی محمدعلی حسینی آخوند مزدور لبنانی، افشا شد. در این اطلاعیه آمده بود:

«وزارت اطلاعات آخوندی، پس از به صحنه آوردن مزدور محمدعلی حسینی در کنار مزدوران پیشانی سیاه رژیم در پاریس، که باعث شد آخوند مزدور به یک کارت سوخته تبدیل شود، در صدد برآمد تا وی را سفیدسازی و بازسازی کرده و او را در کشورها و محافل عربی نفوذ داده و علیه مقاومت ایران به کاربگیرد.

ذیلا جزئیات بیشتری از طرح های جدید وزارت اطلاعات در ارتباط با این آخوند مزدور که از داخل کشور دریافت شده است را به اطلاع می رساند:

۱. وزارت اطلاعات به آخوند مزدور دستور داده است تا روابط خودش را با دیگر مزدوران حتی المقدور مخفی نگه دارد که باعث رسوایی و بی اعتباری بیشتر او نشود. از این رو عکس و فیلم دیدار ۱۷ تیر با مزدوران را در پاریس روی حساب های

فیس بوک و تویتر خودش نگذاشت.

۲. آخوند حسینی برای اینکه سفرش به پاریس در تیرماه گذشته را توجیه کند در یک اقدام فریب کارانه در مصاحبه با برخی از مطبوعات عربی اعلام کرد که برای بحث پیرامون "عوامل و ریشه های تروریسم" به دعوت "گروه های فرانسوی و آلمانی" به این سفر رفته بود در حالی که این سفر تماماً توسط وزارت اطلاعات سازمان یافته و هزینه آن توسط وزارت اطلاعات تأمین شده بود و هیچ ربطی به دعاوی مضحک او نداشت.

۳. این مزدور که از سال گذشته به بهانه محذورات امنیتی از مصاحبه و اظهار نظر علیه رژیم و حزب الله خودداری می کرد، باردیگر در هفته های اخیر به دستور وزارت اطلاعات برای سفیدسازی خود و نفوذ در کشورها و محافل عربی به صدور بیانیه ها و مصاحبه های ضدولایت فقیه و حزب الله مبادرت می کند. این یک تاکتیک شناخته شده وزارت اطلاعات است که برای اعتبار دادن به مزدوران خود تلاش می کند چهره مخالف بارژیم به آنها بدهد.

۴. از سوی دیگر وزارت اطلاعات در هفته های اخیر ارتباطات آخوند حسینی با مزدوران و مأموران اطلاعات از جمله در پاریس، بروکسل و بیروت را گسترش داده و به آخوند لبنانی مأموریت داده است تا به بروکسل رفته تا به کمک چند مهره اجیر شده خارجی و شماری از مزدوران مانند قربانعلی حسین نژاد، غلامرضا صادقی جبلی، داوود باقروند و بتول سلطانی، با مخالفت گسترده اعضای پارلمان اروپا و پارلمان بلژیک با نقض حقوق بشر در ایران و حمایت آنها از مقاومت مقابله کند.

۵. وزارت اطلاعات در صدد راه اندازی یک مرکز در اروپا توسط این آخوند مزدور و استخدام چند کارمند در این رابطه است تا تحت پوش ضد تروریستی علیه مجاهدین و حامیان آنان به خصوص در میان اعراب فعالیت کند.

۶. طبق طرح وزارت اطلاعات آخوند حسینی قرار است با شماری از مأموران و مزدوران اهوازی اطلاعات که خود را به دروغ مدافع هم وطنان محروم عرب ما جامی زنند، علیه مقاومت ایران فعالیت کند و مجاهدین را ضد مردم اهواز و دارای تمایلات شوونیستی قلمداد کنند.

آخوند لبنانی با مزدوران اطلاعات در زیرزمین رستوران تهران در پاریس



محمدحسین سبحانی - عیسی آزاده - رضا صادقی جبلی - علیرضا نصراللهی -
آخوند لبنانی - امیر موثقی - بتول سلطانی - زهرا معینی - محمدرزاقی - منصور نظری
غفور فتحیان - قربانعلی حسین نژاد - علی اکبر راستگو - ادوارد ترمادو



عیسی آزاده - آخوند لبنانی - قربانعلی حسین نژاد - مهدی خوشحال

حضور در محافل خارج کشور

عیسی آزاده مانند فرشید نصراللهی از نفرات مرتبط با محافل خارج کشوری و آلترناتیو دستساز رژیم است.



عیسی آزاده و نوری علا

پس از دستگیری اسدالله اسدی دیپلمات تروریست رژیم آخوندی در اروپا به جرم تلاش برای بمب گذاری در گردهمایی سالیانه مقاومت ایران در ویلپنت پاریس در سال ۹۷، که ضربه ای کاری به طرح های اطلاعاتی-امنیتی رژیم بود، وزارت اطلاعات، هراسان از گسترش این دستگیری به سایر عوامل جاسوسی و ترور خود، مأمورانش را به صحنه فرستاد تا این بمب گذاری را از اساس منکر شده و آن را «تماماً ساخته و پرداخته این سازمان برای بزرگ و مهم جلوه دادن خود» بنامند و رد خود در این قبیل طرح های تروریستی را پاک کنند. مزدور عیسی آزاده هم به تأسی از اربابانش، گفت:

«ادعاهای دیگر از جمله قصد انفجار تجمع [مجاهدین] در فرانسه و قصد جاسوسی علیه آن در آمریکا تماماً ساخته و پرداخته این سازمان برای بزرگ و مهم جلوه دادن خود است. ما تأکید می کنیم که رژیم ایران هیچ گونه احساس خطری از این سازمان ندارد» (سایت های وزارت اطلاعات ۱۵ مهر ۹۷)

این گرافه گویی درحالی است که سفیر سابق رژیم آخوندی در آلمان، بر غیرقابل تردید بودن مدارک جرم برای دستگیری دیپلمات تروریست آخوندها انگشت گذاشته و اذعان کرده بود:

«اروپایی ها در مورد ادعاهایی که مطرح کرده اند، اسنادی آورده اند که ما نمی توانیم آن را به راحتی رد کنیم.» (خبرگزاری ایسنا ۳ بهمن ۹۷)

در ۱۲ بهمن ۹۸، زمانی که فیس بوک با حذف عکس خامنه ای و سلیمانی، از اکانت یک مأمور وزارت اطلاعات آخوندها در خارج کشور به نام مسعود خدابنده نوشته بود:

«این پست خارج از استانداردهای ما درباره افراد و سازمان های خطرناک است. دیگر کسی نمی تواند این پست را ببیند».

مأمور مربوطه خطاب به سایر مزدوران که با مرگ قاسم سلیمانی ضربه

سنگینی را متحمل شده بودند، نوشت:

«فیس بوک بیش از اندازه به من توهین کرده است به شما چطور؟»

در این میان مزدور عیسی آزاده با همان «فرهنگ پاسداران خامنه‌ای»، به او دلداری داد که:

«رسانه‌ای که دم ترامپه بیش اعتبار و ارزشش را از دست داده. در حال حاضر آنقدر فضای مجازی گسترده است که فیس بوک دارد به حاشیه می‌رود!»

پس از هلاکت سردرخیم قاسم سلیمانی که موجی از شادی در میان مردم ایران و تمام مردم منطقه برانگیخت، خلیفه ارتجاع تلاش کرد با صرف میلیاردها تومان از بودجه مردم محروم ایران و توزیع ده‌ها هزار غذای گرم مجانی، جمعیتی را گردآورد تا با جنازه‌گردانی سردرخیم به‌فنارفته، روحیه مزدورانش را بازسازی کند. البته کشته شدن حدود ۸۰ نفر در این مراسم، بی‌کفایتی بیش‌ازپیش رژیم و اعوان و انصارش را به نمایش گذاشت.

در این میان مزدور عیسی آزاده، رودرروی جوانانی که در آبان ۹۸ با پاکبازی تمام فریاد آزادی میهن از چنگال خامنه‌ای را فریاد زده بودند، به‌میدان آمد تا از راه دور با خلیفه خون‌آشام تجدید بیعتی کند:

«در شهری که ۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد در زادگاه ژنرال سلیمانی، دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر حضور داشتند چون من خودم آنجایی هستم می‌دانم آن موقعیتی که آنجا هست بهش می‌گویند منطقه صاحب الزمان یک کوهی هست بنام صاحب الزمان. وقتی که شما تصویر را می‌بینید دیگر روی زمین جایی نیست همه آدمها رفتند روی ارتفاعات من دیگر آنجا خودم بزرگ شدم... بابا دنیای مادی حساب و کتاب دارد».

در چند نمونه زیر، «دنیای مادی» مورد نظر این مزدور کاملاً هویدا است. دانشگاه صنایع رژیم برای گردآوری سیاهی لشکر از دانشجویان مؤمن به ولایت فقیه خواست که در این خیمه‌شب‌بازی شرکت کنند و آنها اسامی

خود را در لیست مربوطه ثبت نموده و به کارفرمای این نمایش ارائه نمایند تا اجرشان ضایع نشده و در «نمره دروس ورزش و کاربرینی آنها مورد توجه قرار گیرد».

روز دوشنبه ۱۶ دی ۹۸ رژیم آخوندی برای بردن جمعیت بیشتر به مراسم گورسپاری جنازه قاسم سلیمانی از شیراز به کرمان، پیام زیر را روی موبایل‌های مردم شیراز فرستاد:

«... جهت شرکت در مراسم تشییع... در گلزار شهدای کرمان زادگاه ایشان به ادامه پیام توجه فرمایید.

حرکت دوشنبه ۱۶ دی ماه ساعت ۲۰:۳۰

از ترمینال کاراندیش شیراز (مسافری بین راهی با هماهنگی در مسیر می توانند سوار شوند)

بازگشت عصر سه شنبه

هزینه سفر رایگان هست با (صبحانه، ناهار و شام)

شماره تماس ۰۹۱۷۸۴۶۸۶۰۷

انشاءالله که به بهترین نحو در این مراسم شرکت کنیم.

از اینکه پیام را نشر می‌دهید سپاسگذاریم».

براساس گزارش خبرگزاری حکومتی، تنها یکی از مراکز گردآوری سیاهی لشکر برای این نمایش از استان مرکزی تحت عنوان رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان مرکزی می گوید:

«۴۰ هزار پرس غذای گرم روز دوشنبه از سوی موبک‌های این استان در آیین تشییع... سلیمانی در تهران توزیع شد. علاوه بر توزیع غذای گرم در وعده ناهار، [ایستگاه‌های صلواتی که در مسیر مستقر] شده‌اند از صبح امروز با توزیع صبحانه و میان وعده از مردم پذیرایی کردند.» (خبرگزاری ایرنا رژیم ۹۸.۱۰.۱۶)



مارک پوسیده تروریست

مزدور عیسی آزاده در مجیزگویی از رژیم، لاطائلاتی که اربابانش در وزارت اطلاعات نمی‌توانند از زبان خود بگویند را به مجاهدین منتسب می‌کند. وی در مورد قتل محسن فخری‌زاده معاون وزارت دفاع و کارگردان اصلی دستگاه بمب‌سازی رژیم در تهران گفته است:

«بر اساس اطلاعات بدست آمده طراحی این عملیات با دستور تئانیاهو در آلبانی... انجام شده است. افراد با پاس اسرائیلی از آلبانی به آذربایجان منتقل شده و در آنجا در یک پایگاه سری موساد آموزش‌های لازم را می‌بینند... اطلاعات و جزییات و شناسایی سوژه توسط یک تیم غیرمسلح از مجاهدین در تهران صورت گرفته است بعد تکمیل شناسایی‌ها سه تیم شامل یک تیم عمل‌کننده یک تیم ضربت و یک تیم پشتیبانی به تهران اعزام و در منطقه دماوند مستقر می‌شوند.

ارتباط این افراد تمام کد شده و با استفاده از جدیدترین دستگاه‌های ارتباطی موساد انجام می‌شده است که سیستم اطلاعاتی رژیم ایران توانایی کشف آن‌را نداشته است.

جزییات حمله بر اساس صحنه همان چیزهایی است که در اخبار منتشر شده و در درگیری محافظ دوم دکتر فخری‌زاده با تروریست دو تروریست هم کشته شده‌اند که مشخصاً از طریق اجساد و اسناد و مدارک احتمالی که ممکن همراه داشته باشند سرنخ جدی تری بدست خواهد اما بدون شک هیچ گروهی بجز مجاهدین خلق توانایی چنین عملیاتی را ندارد... دولت البانی در جریان جزییات امر نیست اما اگر هم بداند توسط اسرائیل و سفیر امریکا و ادار به سکوت میشود. نکته مهم در رابطه با دولت جمهوری آذربایجان است که به چه قیمتی این ریسک را قبول کرده است؟» (یکی از سایت‌های وزارتتی - ۱۳ آبان ۱۳۹۹)

عیسی آزاده یکی از مأموران ثابت شیطان‌سازی مجاهدین در کانال وزارت اطلاعات موسوم به مردم.تی.وی با صحنه‌گردانی «پارسا سربی» است. پارسا سربی توسط مأمور دیگر وزارت بدنام اطلاعات به نام علی اکبر راستگو

برای لجن‌پراکنی علیه مجاهدین استخدام شده است. مزدور عیسی آزاده در یکی از نوبت‌های حضورش در شوی هفتگی وزارت در ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ سوزش خود و اربابانش از تشکیلات مجاهدین اشرف ۳ و کانون‌های شورشی را با غیظ و کین بیان کرد. او با تکرار اتهامات وزارت علیه مجاهدین، قرارگاه اشرف ۳ را بدتر از زندان گوانتاناما نامید و مدعی شد:

«مجاهدین در داخل دره‌های آلبانی و زیرزمین‌های خانه‌ها در اروپا عکس و فیلم تهیه کرده و به اسم کانون شورشی قالب می‌کنند» (کانال وزارت موسوم به مردم تی.وی- ۱۴ فروردین ۱۴۰۰)

گفتگو با عیسی آزاده: کمپ فرقه مجاهدین در آلبانی موسوم به اشرف ۳ " زندان " است

رجوع باید این افراد اسیر را آزاد کند و کمپ موسوم به اشرف ۳، یکی از مخوف‌ترین کمپ‌هایی است که هم اکنون فرقه مجاهدین ایجاد کرده است، بطور کامل ارتباط این اسیران را با بیرون قطع کرده و اجازه هیچگونه ارتباطی به آنها با خانواده‌هایشان را نمی‌دهد، بنابراین ما از طرف خانواده‌های گرامی این را می‌خواهیم که سریعتر ارتباطات این افراد با خانواده‌هایشان برقرار شود و دولت آلبانی نیز اجازه بدهد که خانواده‌های این اسیران بتوانند به آلبانی



Ex-Mojahedin* Issa Azadeh * 04.12.2020 * AAWA-Association.com

14 views · Dec 4, 2020

0 0 0 SHARE

ترس و وحشت مزدور عیسی آزاده از افشای حقایق

هادی ثانی خانی از جمله کسانی است که مانند عیسی آزاده به استخدام وزارت اطلاعات درآمده بود. او به مدت ۴ سال با شبکه وزارت اطلاعات و در ارتباط با سفارت خانه و لانه جاسوسی رژیم در آلبانی همکاری داشت.

هادی ثانی خانی در ۱۴ فوریه ۲۰۲۱ طی نامه‌ای به آقای آنتونیو گوترز دبیرکل سازمان ملل، پرده از حقایق بسیاری در مورد اقدامات رژیم علیه مقاومت و مجاهدین خلق مستقر در آلبانی، برداشت. (اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم ۲۹ بهمن ۱۳۹۹)

افشای حقایق باعث وحشت بسیاری از مزدوران از جمله عیسی آزاده گشت. وی از جانب وزارت اطلاعات با مأموریت تخطئه این افشاگری به صحنه فرستاده شد.

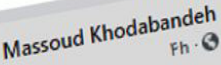
عیسی آزاده در ۳ اسفند ۱۳۹۹ همراه با دوتن دیگر از مزدوران دون پایه اطلاعاتی یعنی غفور فتحیان و علیرضا نصراللهی، در یک تجمع سه نفره گفتند مأموریت آنها «نجات هادی ثانی خانی» از «دست مجاهدین» است که «در خانه‌های امن مجاهدین در آلبانی» در بازداشت به سر می‌برد.

«افشای پروژه سرکوب جداشدگان فرقه رجوی در آلبانی (پسرک بینوا و فرقه فریبکار)

فرقه با سواستفاده رذیلانه از پسرکی بینوا دست به حماقتی زده است که باعث درهم ریختگی شدید اذهان اسیران قلعه اشرف در آلبانی شده است.

در این رابطه دوستان با انبوهی خطرو به دور از چشم جاسوسان سایبری فرقه پیرامون این پروژه؛ پشت پرده این داستان را در اختیار اینجانب قرار داده‌اند...»

(مزدور عیسی آزاده- ۳ اسفند ۱۳۹۹)



Massoud Khodabandeh
Fh · 6



بیان حقایق

محقق و جدا شده از سازمان مجاهدین و افشاگر حقایق در طی حضور بیش از 30 سال وبلاگ شخصی عیسی آزاده



افشا پروژه سرکوب جدانشدگان از فرقه رجوی در آلبانی (پسرک بینوا و فرقه فریبکار)

افشا پروژه سرکوب جدانشدگان فرقه رجوی در آلبانی (پسرک بینوا و فرقه فریبکار)

بقلم عیسی آزاده از فرماندهان و مسئولین سابق سازمان مجاهدین

فرقه تروریستی رجوی با سو استفاده رذیلانه از پسری بینوا دست به حماقتی زده است که باعث درهم ریختگی شدید اذهان اسیران قلعه اشرف در آلبانی شده است در این رابطه دوستان با انبوهی خطر و به دور از چشم جاسوسان سایبری فرقه پیرامون این پروژه ابلهانه ؛ پشت پرده این داستان مشمژ کننده را در اختیار اینجانب قرار

این وبلاگ روشنگر حقایق مربوط به سازمان مجاهدین خلق است که چگونه به یک فرقه تبدیل شده است .



پاسخ هادی ثانی خانی به ادعاهای مزدوران

هادی ثانی خانی در ۲۷ فروردین ۱۴۰۰ (۱۴ آوریل ۲۰۲۱) در نامه به سایت ایران افشاگر، علت «عکس العمل های ابلهانه و بی دنده و ترمز» مزدوران را این چنین توضیح داد:

«مدتی قبل من در نامه ای خطاب به آقای گوترز دبیرکل سازمان ملل گوشه هایی از توطئه های سفارت آخوندها و مأموران و مزدوران وزارت اطلاعات در آلبانی و کشورهای اروپایی علیه پناهندگان ایرانی را به اطلاع ایشان رساندم که به نظر می رسد این کار برای وزارت اطلاعات رژیم و مأموران و مزدوران و جیره خواران آن خیلی غیرمترقبه و ناگهانی بود و اصلاً انتظار آن را نداشتند، چرا که حسابی گیج شده و کنترل خودشان را از دست داده اند و این در عکس العمل های ابلهانه و بی دنده و ترمز آن ها بوضوح عیان است.

البته من با همه این قبیل واکنش ها آشنا بوده و هستم و انتظار آن را هم داشتم ولی نه اینقدر!! که وزارت مجبور شود با همه پادوها و مزدوران ایرانی و خارجی خود مثل جرجی تاناسی و... به میدان بیاید.

وزارت و مزدوران آن به ویژه مزدوران ساکن در آلبانی دست به هرکاری زده و می زنند که بفهمند ضربه را از کجا و چگونه خوردند. در سایت های زنجیره یی وزارت از قبیل انجمن نجاست، فراق و یاران ایران و... داستان هایی که ساخته و منتشر کرده اند را خواندم و البته به بلاهت مزدوران بسیار خندیدم.

از جمله دیدم که نوشته اند من را قاچاقی به فرانسه برده و در خانه ای محبوس کرده اند یا اینکه چندتن از مزدوران به سفارت آلبانی در فرانسه مراجعه کرده و ادعا کرده اند که من ربوده شده ام و مقامات آلبانی مسئول حفظ جان من است و خانواده ام بشدت نگران شده اند و... بی اختیار به یاد شعر عبید زاکانی افتادم که

«مژدگانی که گربه عابد شد- عابد و زاهد و مسلمانا»

که گوئی اروپا هم تهران و ایران آخوندها است که وزارت اطلاعات با دست باز

خانه امن و شکنجه گاه و... برای انجام هر جنایتی دارد. از قدیم گفته اند کافر همه را به کیش خود پندارد.

البته مطالب منتشر شده به ویژه مطالبی که مزدوران بدنامی مانند حسن حیرانی گفته اند را قابل پاسخگویی نمی دانم، چون هم کاملاً با این روش ها آشنا هستم و هم برایم واضح است که هدفشان از این خزعبلات و به اصطلاح مانورها چیست.

نکته مهم این است که علی رغم آشنایی با روش ها و شیوه های کار وزارت اطلاعات و مزدوران و به ویژه آشنایی نزدیکی که با خیلی از این مزدوران داشتم، اصلاً فکر نمی کردم وضع آخوندها و مزدوران شان این قدر خراب باشد که چنین عکس العمل هایی نشان دهند. چون من که فقط مختصری از چهارسالی که با وزارت اطلاعات و مزدوران بودم را گفته ام و گفته ها بسیار دارم که البته در زمان مناسب به همه آنها خواهم پرداخت. اگر این مختصر مطالب منتشر شده، مزدوران را این قدر سوزانده که جلتز و ولزشان همه سایت های وزارت را پر کرده است، کاملاً قابل پیش بینی است که وقتی همه آن چیزهایی را که در رابطه با مافیای مزدوران و جنایتکاران وابسته به رژیم در آلبانی و اروپا را که می دانم، منتشر کنم، بوی سوختگی چه میزان خواهد بود. شخصاً فکر میکنم مزدوران آخوندها در اروپا پس از دادگاه دیپلمات تروریست رژیم (یعنی اسدالله اسدی) و افرادی که برای انجام جنایت در استخدام او بودند (منظورم مزدوران عارفانی و نعمی و سعدونی است)، بدجوری ترس ورشان داشته است.

البته این مورد را به آنها حق می دهم که نگران باشند به ویژه این که دادگاه تابعیت بلژیکی مزدوران را لغو کرده و پاسپورت آنها را نیز باطل کرده است. امری که خیلی از مزدوران را از آینده تیره و تار و فلاکت باری که در انتظارشان هست به وحشت انداخته است. با یادآوری خبرهای مربوط به لیست گذاری جنایت کاران و مزدوران رژیم از طرف اتحادیه اروپا به مزدوران و قلم به مزدهای وزارتی و سایت های معلوم الحال توصیه می کنم به جای اشک تمساح ریختن برای من و اجرای شوهای مسخره وزارت ساخته و ادعاهای صدمن یک گاز نقداً قاچ زین را بچسبند اسب سواری پیشکش. در پایان به تمامی عمله ولایت و مزدوران وزارت به ویژه مزدوران

حقیر پنهان و آشکار و ریز و درشت در آلبانی تأکید و تصریح می‌کنم که کاملاً حق دارید که نگران آینده خود باشید بی‌خود تلاش نکنید صورت خودتان را با سیلی سرخ کنید. بزودی مطالب بیشتری خواهید شنید.

هادی ثانی خانی
تاریخ آوریل ۲۰۲۱



افشای مزدور وزارت اطلاعات داوود باقروند ارشد



داوود باقروند ارشد یکی از مزدوران شبکهٔ خارج کشوری وزارت اطلاعات است که بعد از یک دهه مزدوری در داخل کشور و پس از توجیهات و آموزش‌های لازم، با یک سناریوی ساخته و پرداخته شده توسط وزارت بدنام اطلاعات به اروپا فرستاده شد. مأموریت وی جاسوسی و شیطان‌سازی علیه مجاهدین است که زمینه‌ساز اقدامات تروریستی می‌باشد.

پروسه و فعالیت‌ها

داوود باقروند در خرداد ۱۳۸۳ و در دوران پایداری و ایستادگی مجاهدین سرفراز اشرفی، در مقابل جنایتکاران حاکم بر میهن تسلیم شده و به تیف (خروجی تحت کنترل نیروهای آمریکایی در شمال اشرف) رفت. باقروند در اسفند ۱۳۸۳ به استخدام وزارت اطلاعات درآمد و برای کسب آموزش‌های لازم، توسط وزارت از تیف مستقیماً به ایران تحت حاکمیت آخوندها فراخوانده شد.

وی پس از ۹ سال اثبات اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه و وزارت اطلاعات در داخل کشور، برای وصل به شبکه خارج کشوری وزارت به اروپا اعزام شده و در سال ۹۲ در مأموریت‌های مشترک با دو مأمور دیگر وزارت، عیسی آزاده و قربانعلی حسین نژاد به صحنه فرستاده شد.



داوود باقروند؛ در دوران آموزش‌های اطلاعاتی امنیتی - ورودی ابن بابویه شهر ری

او با مینیمیزه کردن فعالیت‌هایش سعی در سفیدسازی خود داشت اما عملاً در اعترافش به گوشه‌ای از اقدامات خیانت‌بارش در همکاری با وزارت اطلاعات، این‌گونه گفت:

«ما را مستقیم بردند به تهران در خارج از کرج در یک محل مربوط به پیشاهنگ‌ها [بخوانید قرنطینه امنیتی وزارت اطلاعات] مستقر نمودند... از همه ما خواستند ضمن نوشتن این‌که ما چه کسی هستیم و خودمان را معرفی کنیم، آن‌چه در مورد سازمان در

دو سال گذشته می‌دانیم بنویسیم. اطلاعات بسیار کاملی از سازمان داشتند. محورهای بازجویی را می‌دادند که باید می‌نوشتیم. تهدید کردند که ما اطلاعات زیادی داریم اگر دروغ بنویسید برایتان عواقب خواهد داشت من نیز همه اطلاعات عمومی را که همه داشتند نوشته و دادم اطلاعاتی که در همه جلسات عمومی مطرح بود ضمناً تحت مسئولینم نیز بودند و نمی‌شد چیز دیگری نوشت یا کم نوشت... چندروز از صبح تا شب می‌نوشتیم و درنهایت در آخرین چهارشنبه اسفند سال ۱۳۸۳ در محل باشگاه معلمان پائین‌تر از صدا و سیما... تحویل خانواده‌ها شدیم. هر دوهفته باید خود را معرفی می‌کردیم. بعد شد هرامه و بعد هر دوماه...». (سایت وزارتى اینترنتىک- ۲۳ شهریور ۹۴)

مزدور باقروند در ادامه سناریو و علت فرستادنش از ایران به خارج توسط وزارت اطلاعات گفت:

«درست هم‌زمان با خارج شدن [مجاهدین] از لیست تروریستی در اواخر سال ۱۳۹۱ هنگام بازگشت از یک مسافرت تجاری ضمن دستگیری مجدد، پاسپورت مرا ضبط کردند و برای پس دادن آن مرا از این اداره به آن اداره می‌کشاندند و اعلام کردند که ممنوع‌الخروج شده‌ای که درنهایت در مراجعه به دفتر ریاست جمهوری طی یک بازجویی مفصل و نوشتن اینکه کجا بوده‌ام این بار خواستند که تمامی مسافرت‌هایی که طی حضورم در ایران کرده‌ام را با ذکر علت بنویسم که من نیز همین کار را کردم. بازجو تک‌تک سؤالات را در برگه بازجویی می‌نوشت و من باید جواب می‌دادم. بازجویی در دفتر ریاست جمهوری در اداره مرکزی گذرنامه صورت می‌گرفت. بازجو گفت نظرت در مورد خروج منافقین از لیست تروریستی چیست؟ گفتم قبلاً یک‌طور مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند از این به بعد یک‌طور دیگر...» (همان منبع)

بالاخره با کمک بازجویان وزارتى سناریوی باقروند تکمیل شد:

«[از طرف دفتر ریاست جمهوری رژیم] ابلاغ شد چندماه فرصت داری که کشور را ترک کنی؛ که مجبور شدم در خرداد ۱۳۹۲ ایران را ترک کنم...» (همان منبع)

البته این سناریوهای وزارت ساخته، کمکی به سفیدسازی و پوشاندن نقش و مأموریتش نکرد. زیرا بلافاصله پس از رسیدنش به اروپا، مقاومت ایران با اطلاعات دقیق و جزئی، او را افشا نمود و عموم هموطنان را در جریان وضعیت این مأمور اطلاعات قرارداد. به این ترتیب علت خروج «معجزه آسای» او در راستای مأموریت علیه مجاهدین برملا گردید. باقروند هدف از اعزامش به اروپا را در یکی از سایت‌های خارج کشوری وزارت اطلاعات به نام اینترلینک به این ترتیب اعلام کرد:

«بنده به جرئت می‌توانم بگویم از اینکه تشکلهایی مانند فرقه رجوی به حکومت نرسیدند یکی از شانس‌های بزرگ مردم ایران بوده است... مردم ما هنوز درگیر خرافه و باورهای است که بشدت قابل سوءاستفاده هستند این حتی در قشر تحصیل کرده نیز وجود دارد. از یک طرف جوانانی که به هیچ چیز اعتقادی ندارد و عده‌ای نیز به همان افکار عقب افتاده پناه برده‌اند... [سازمان] بسیاری هم که منتقد جدی بودند و موقعیت تشکیلاتی و سیاسی آن‌ها اجازه نداشتند از طریق دیگر را نمی‌داد و یا توان مقابله با منطق قوی آن‌ها که همان منطق علی زرکش‌ها و مهدی افتخاری‌ها بود را نداشت با نیرنگ مافیایی جهت نابودی سیاسی و البته فیزیکی به صورت پوشالی و مأموریت دروغین تحت نام عنصر درونی به داخل ایران اعزام می‌کرد و قطع ارتباط می‌نمود تا بدین گونه از شر آن‌ها خلاص شود... بالاترین هنر ما این است که با در اختیار قرار دادن تجاربمان در یک تشکل ابتدا سیاسی و بعد مافیایی و فرقه‌ای کاری کنیم که رجوی‌های دیگری در ایران مبارزات مردم ایران را به نابودی نکشانند». (۳۰ آذر ۹۵)

خدمات رسانی به وزارت اطلاعات آخوندی پس از اخراج ۲ دیپلمات تروریست از کشور آلبانی

«بعد از این که دولت آلبانی محمد علی ارض پیما و احمد حسینی‌الست، دو دیپلمات تروریست رژیم آخوندی را در دی ماه ۹۸ اخراج کرد و تحرکات سفارت رژیم تحت کنترل بیشتری قرار گرفت، وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس،

کارها و ارتباطاتشان با مزدوران را به شیوه غیرمستقیم از تهران، کشورهای بالکان و کشورهای اروپای غربی اداره می کنند.

مزدوران مستقر در آلبانی هم زمان در ارتباط با مأموران مقیم سایر کشورهای اروپایی قرار گرفتند تا به موازات آنها به لجن پراکنی، شیطان سازی و توجیه تروریسم پردازند. مسعود خدابنده، آن سینگلتون، محمد کرمی، محمدحسین سبحانی، قربانعلی حسین نژاد، علی اکبر راستگو، رضا جبلی و داوود باقروند در این شمارند.

(اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ۲۰ مرداد ۱۳۹۹)

انتشار مطالب وزارت اطلاعات به زبان انگلیسی

یکی دیگر از مأموریت های محوله به این مزدور، انتشار متون وزارتی به زبان انگلیسی است. همچنین مطالب منتشره توسط شبکه های خارج کشوری رژیم را بازنشر کرده یا برطبق دستورات صادره از طرف وزارت اطلاعات به تولید لاطائلات علیه مجاهدین می پردازد.

وی با نامه نگاری به شخصیت ها و مقامات کشورهای مختلف، دروغ های موردنظر رژیم علیه مجاهدین را در پوش «عضو سابق» تکرار می کند. باقروند در نامه ای خطاب به وزیر خارجه فرانسه، ۳۰ خرداد را «تولد نکبت بار تروریسم داعشی در ایران و منطقه خاورمیانه» عنوان کرد تا در لابلاي خزعبلات تولید شده، حرف و خواسته اصلی رژیم علیه مجاهدین را بیان کند:

«عالیجناب! مایلم تأکید کنم که فرانسه یکی از خطرناک ترین تهدیدات از نوع القاعده و داعش را با قبول حضور موقت آنها حتی با ویزا، بطور خاص رهبران آن هم چون مریم رجوی در اورسور واز در شمال پاریس در آسپتن می پرورد... شما می توانید با بسیاری از سیاست های رژیم حاکم بر ایران هم چون بسیاری از ایرانیان مخالف باشید ولی این نباید دلیلی گردد که به تروریسم داعشی نوع ایرانی در کشورتان بیش از این اجازه تحرک و فعالیت دهید.» (باقروند ۲۹ خرداد ۱۴۰۰)

دفاع از مزدور نفوذی ایرج مصداقی

داوود باقروند در دفاع از مزدور نفوذی ایرج مصداقی، هم‌سو با همپالکی دیگرش به‌نام حنیف حیدرنژاد، نوشته است:

«اگر مصداقی‌ها قتل نکرده باشند حق انسانی دارند از رجوی ببرند به رژیم بیوندند... باید حمله شدید می‌کردید به دستگاه استبدادی-ایدئولوژیک رجوی در اتهاماتی که به مصداقی وارد می‌کند. حتی رفته در زندان سناریو می‌نوشته؟ جرمش چیست؟ کسی را کشته، کسی را شکنجه کرده؟ طبق کدام قانون و کتاب قانون عملکرد مصداقی قضاوت شده است و میشود؟»

حضور در محافل خارج کشور

صنعت آلترناتیوسازی یکی دیگر از اقدامات وزارت اطلاعات است که به منظور مخدوش کردن مرزهای مقاومت و خیانت برپا شده است. حضور مزدور داوود باقروند و دیگر مزدوران شناخته شده وزارت از جمله فرشید نصراللهی، قربانعلی حسین‌نژاد، محمد کرمی، عیسی آزاده تحت‌عنوان «منتقد» و «اعضای سابق» خود گویای ماهیت آن است. این جمع بعداً با حضور مزدور نفوذی ایرج مصداقی در یکی از این محافل، تکمیل شد.



احمد وحدانی - قربانعلی حسین‌نژاد - داوود باقروند - اسماعیل نوری علا



باقروند و سعید بهبهانی



ایرج مصداقی - قربانعلی حسین نژاد

سوابق داوود باقروند به روایت اسناد

مزدور داوود باقروند برای بالابردن نرخ خود نزد رژیم و وزارت اطلاعات، همواره خود را یکی از فرماندهان! و مسئولین! مجاهدین جامی‌زند، انگار از همه موضوعات مجاهدین مطلع بوده است. این در حالی است که طی سالیان حضورش در مجاهدین به دلیل ضعف مبارزاتی و... بارها اخراج شده بود اما هر بار با اصرار، خواهان فرصت مجدد برای ماندن نزد مجاهدین شده بود.

اسناد ضمیمه بیانگر وضعیت وی می‌باشد.

اذعان به عبور خود از مرز خیانت و التماس برای کمک به بازگشت به مناسبات مجاهدین... «سازمان در این مدت مرا کشیده و آورده است اگر به خودم بود...»

چون بریده هیچ حرفی ندارند بزنند مگر دروغ و این درست بهر حال حقانیت و پاک مطهر بودن آن است (سازمان است).

بنابراین باید به یک واقعیت دیگر هم شهادت دهم و آن اینکه سازمان در طی این مدت مرا کشیده و آورده و اگر به خود من بود حتماً هم بهر کار مزدور جلا داد می‌زدند شاهسونی می‌شدم (دلیل حقانیت انقلاب مردم همین است)

چون بریده‌ها هیچ حرفی ندارند بزنند مگر دروغ و این درست به دلیل حقانیت و پاک مطهر بودن آن است (سازمان است).
بنابراین باید به یک واقعیت دیگر هم شهادت دهم آن اینست که سازمان در طی این مدت مرا کشیده و آورده و اگر به خود من بود حتماً صدمه بدتر از مزدور جلا دانی مانند شاهسونی می‌شدم (دلیل حقانیت انقلاب مردم همین جاست)

اذعان به بریدگی در سال ۱۳۷۵

مبارزه مستقیم نیست و بریده‌ام. عدم صداقت کارکنان، از نوع دیگری
گفته‌ام

من تمام کرده‌ام و تازه آمده‌ام. طرحی ندارم. این حرف
هم حرف اعتماد است. حرف دروغ است. در بریده‌مزدوران. معلوم نیست چرا کرده‌ام که به اعتماد
کنند. دروغ گفته‌ام در سال که بعد از دروغ و کلک زده‌ام به سازمان، از مبارزه بریده‌ام و بریده‌ام

طی سه سال بعد از انقلاب، از ضعف فردی و اخلاقی که داشته‌ام در آن سالها که چون نوشته‌ام و
نمی‌نویسم. واقعیت این است که من مطلق بریده هستم.

تیز هم مشکل من انتخاب بین مبارزه و زندگی منی مانده بودم که در آن زندگی من و مبارزه

مبارزه مسئله من نیست و بریده‌ام. عدم صداقت‌های گذشته‌ام از دروغ‌های
نجومی که گفته‌ام... من تمام کرده بودم و تازه آمده‌ام مطرح می‌کنم
سازمان به من اعتماد ندارد. این حرف هم حرف اضداد است. حرف رژیم
است و بریده مزدوران. معلوم نیست چکار کرده‌ام که باید اعتماد کنند.
دروغ نگفته‌ام در سازمان که صدار دروغ و کلک زده‌ام به سازمان. از مبارزه
نبریده بودم که بریده هستم.

طی سه سال بعد از انقلاب. از ضعف‌های فردی و اخلاقی که داشته‌ام در آن
سال‌ها که چون نوشته‌ام دیگر نمی‌نویسم. واقعیت این است که من مطلق
بریده هستم

تیز هم مشکل من انتخاب بین مبارزه و زندگی. یعنی مانده بودم که بروم
زندگی کنم یا مبارزه.

۱۹ مرداد ۱۳۷۵ (۱۹۹۶/۸/۹)

توصیف زندگی کنار مجاهدین، با بیان خودش

بنابراین، برای نجات ایران از زندگی زالووار و مبارزات مبارزاتی پیدایش داد و ارزش‌های هر دو
در من زنده شود. تقاضای کنم که مرا به عنوان عضو مجاهدین خلق ایران بپذیرید.
داود باقروند ارشد
جلال
۱۵ اکتبر ۱۹۹۶

بنابراین برای نجات از زندگی زالووار و برای اینکه حیات مبارزاتی پیدا کنم
و ارزش‌های مجاهدی در من زنده شود تقاضا می‌کنم که مرا به عنوان عضو
سازمان مجاهدین خلق ایران بپذیرید.

داود باقروند ارشد (جلال)

۱۵ اکتبر ۱۹۹۶ (۲۴ مهر ۱۳۷۵)

اذعان به کشتن حیات مبارزاتی به دست خود

من در نهایت یک هوادار ساده ای برای سازمان نبوده‌ام و در حقیقت عضو به معنی اخص سازمان نبوده‌ام. تأکید دارم این را بیان کنم که چه خودم و چه سازمان به ضعف‌هایم اشراف داشته‌ایم و به همین دلیل رهنمودهای خاص و مشخص و عملی برای رفع این ضعف‌ها به من داده شده است. ولی من هیچ کدام را بکار نگرفته‌ام و حتی به دروغ هم اینطور وانمود کرده‌ام که همه رهنمودها را بکار می‌بستم. به همین دلیل در تمام سال‌های گذشته در سازمان زندگی کرده‌ام و نه مبارزه، بگذریم که به همین دلیل بسیار بسیار خرابکاری‌های ایدئولوژیک و تشکیلاتی داشته‌ام که ناشی از همان عنصر لاپوشانی محتوایی بوده است. در نتیجه این اعمال ننگین خودم، حیات مبارزاتی‌ام را از دست داده‌ام و در واقع در حرم این عنصر را کشته‌ام و تبدیل شده‌ام به یک زالو که از خون سازمان رهبری ارتزاق می‌کرده‌ام.

... من در نهایت یک هوادار ساده‌ای برای سازمان نبوده‌ام و در حقیقت «عضو» به معنی اخص سازمانی نبوده‌ام. تأکید دارم این را بیان کنم که چه خودم و چه سازمان به ضعف‌هایم اشراف داشته‌ایم و به همین دلیل رهنمودهای خاص و مشخص و عملی برای رفع این ضعف‌ها به من داده شده است. ولی من هیچ کدام را بکار نگرفته‌ام و حتی به دروغ هم اینطور وانمود کرده‌ام که همه رهنمودها را بکار می‌بستم. به همین دلیل در تمام سال‌های گذشته در سازمان زندگی کرده‌ام و نه مبارزه. بگذریم که به همین دلیل بسیار بسیار خرابکاری‌های ایدئولوژیک و تشکیلاتی داشته‌ام که ناشی از همان عنصر لاپوشانی محتوایی بوده است. در نتیجه این اعمال ننگین خودم، حیات مبارزاتی‌ام را از دست داده‌ام و در واقع در حرم این عنصر را کشته‌ام و تبدیل شده‌ام به یک زالو که از خون سازمان و رهبری ارتزاق (ارتزاق) می‌کرده‌ام...

(۱۵/اکتبر/۱۹۹۶) ۲۴ مهر ۷۵

حکم اخراج داوود باقروند قبل از سقوط دولت سابق عراق



حکم اخراج

بدینوسیله حکم اخراج داوود باقروند ارشد فرزند بیوک آقا از سازمان مجاهدین خلق ایران به دلیل عدم تحمل شرایط منطقه مرزی ابلاغ می گردد.

معاون تشکیلات
۸۱/۸/۱۳

قبول دارم و تأیید می کنم
داود باقروند ارشد
۸۱/۸/۱۳



حکم اخراج

بدینوسیله حکم اخراج داوود باقروند ارشد فرزند بیوک آقا از سازمان مجاهدین خلق ایران به دلیل عدم تحمل شرایط منطقه مرزی ابلاغ می گردد.

معاون تشکیلات

۸۱/۸/۱۳

قبول دارم و تأیید می کنم

داود باقروند ارشد

۸۱/۸/۱۳

تقاضای کتبی برای بازگشت به زیر حاکمیت آخوندها

پرسنلی ارتش آزادبخش
محترماً اینجانب داود باقروند ارشد فرزند بیوک آقا متولد ۱۳۳۵ شاه شناسنامه ۲۹۴۶ که
توانایی ادامه مبارزه را در شرایط سخت شغل مرزی ندارم، برای زندگی عادی متقاضی انتقال به خروجی و بازگشت
قانونی به داخل ایران می‌باشم.
خواهشمندم درخواست بازگشت قانونی اینجانب را با اداره اقامت اتباع خارجی در عراق در میان بگذارید.

داود باقروند ارشد
۸۱/۸/۱۳



پرسنلی ارتش آزادبخش

محترماً این جانب داود باقروند ارشد فرزند بیوک آقا متولد ۱۳۳۵ شماره
شناسنامه ۳۴۴۶ که توانایی ادامه مبارزه را در شرایط سخت مرزی ندارم،
برای زندگی عادی متقاضی انتقال به خروجی و بازگشت قانونی به داخل
ایران می‌باشم.

خواهشمندم درخواست بازگشت قانونی این جانب را با اداره اقامت اتباع
خارجی در عراق در میان بگذارید.

داود باقروند ارشد

۸۱/۸/۱۳

درخواست نجات دادنش از خیانت و جلوگیری از این سرنوشت

درخواست دارم که برای نجات
من از این خیانت و مبعوضی از این سرنوشت با پس گرفتن درخواستم برای خروج را بهترین راه
و در صورتیکه خداوند نکرده،
به حدیث پایم لغزید خارج در داخل ایران است و بس.

داود باقروند ارشد
۸۱/۸/۱۳

درخواست دارم که برای نجات من از این خیانت و جلوگیری از این سرنوشت
با پس گرفتن درخواستم برای خروج را بپذیرید... و در صورتی که خدائی
نکرده به هر دلیل پایم لغزید جای من در داخل ایران است و بس.

داود باقروند ارشد

۸۱/۸/۱۳

وضعیتش را پاسدار گونه توصیف کرد

درد واقع این وضعیت سفلی و خیانت پاسدارگزیند
مناسبت منته مجاهدی را حول خودم تنیده بودم که در یک کلام همان طعمه بالفعل و نه حتی
بالقوه بودم و بس که از صد پاسدار و نفوذی هم بدتر عمل می کردم.

این تازه زمانی بود که من در درون مناسبات
پاک مجاهدین بودم و در روزی که بیرون کشیده می شد که صدبار بدتر از دژخیمان
می شدم.

بنابراین از همه مجاهدین در قرارگاهم و بدتر خاص از رهبری پاک مجاهدین طلب عفو و بخشش
ماکنم.

که در واقع این وضعیت سفلی و خیانت پاسدار گونه و مناسبات ضد مجاهدی
را حول خودم تنیده بودم که در یک کلام همان طعمه بالفعل و نه حتی
بالقوه بودم و بس که از صد پاسدار و نفوذی هم بدتر عمل می کردم و ...
این تازه زمانی بود که من در درون مناسبات پاک مجاهدین بودم وای به
روزی که پای من به بیرون کشیده می شد که صدبار بدتر از دژخیمان
می شدم... بنابراین از همه مجاهدین در قرارگاهم و به طور خاص از رهبری
پاک مجاهدین طلب عفو و بخشش می کنم

(۸۱/۹/۹)

اطلاعیه‌های کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

شورای ملی مقاومت

درباره افشای ۳مزدور وزارت اطلاعات



National Council of Resistance of Iran
Security and Anti-terrorism Committee

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

هتل مهاجر در بغداد پایگاه وزارت اطلاعات و

نیروی تروریستی قدس برای توطئه علیه مجاهدان اشرفی

به خدمت گرفتن مزدوران تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین برای لجن پراکنی و شیطان سازی یا جاسوسی و اقدامات تروریستی علیه مقاومت ایران روش دائمی و شناخته شده دستگاه های کشتار و ترور و جاسوسی رژیم آخوندی مانند وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی قدس، در سه دهه گذشته بوده است. همچنان که در گزارش ارتش آزادی بخش ملی ایران درباره «اعدام جمعی، گروگان گیری، تخریب و انفجار» در اشرف آمده است، بنجل ترین مزدوران تحت عنوان «اعضای سابق مجاهدین» برای توبه و ندامت و مصرف در کارزار علنی علیه مقاومت مورد استفاده واقع می شوند و شماری از آنها برای «تجسس» و کارهای اطلاعاتی یا تروریستی در پوشش های مختلف به خدمت گرفته می شوند. این موضوع در دو دهه گذشته، بارها در گزارش های دستگاه های امنیتی کشورهای مختلف مانند آلمان و هلند و انگلستان و سوئد تصریح و گواهی شده است.

در سال های بعد از جنگ و اشغال عراق (در فاصله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷) اطلاعات

و سپاه آخوندها به‌ویژه نیروی تروریستی قدس با نفوذ در تأسیسات موسوم به تیف که نیروهای آمریکایی به گفتهٔ خودشان برای «فروپاشی» و «انحلال نرم» مجاهدین و ارتش آزادی‌بخش ملی دایر کرده بودند، به کسب اطلاعات و جاسوسی و استخدام مزدور می‌پرداختند. اما پس از تعطیل شدن تیف، هتل‌های مختلفی را در بغداد به‌همین منظور به‌کار گرفتند. از این پیشتر مقاومت ایران اسناد مربوط به اجارهٔ هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم را افشا کرده است.

هم‌چنین طاهر بومدرا مسئول پیشین پروندهٔ اشرف در سازمان ملل که دبیرکل او را مشاور ویژهٔ یونانی درمورد اشرف معرفی کرده بود، طرح و برنامه‌های مشترک مارتین کوبلر و سفارت رژیم برای انهدام مجاهدین با استفاده از همین هتل را برملا کرده است. وزارت اطلاعات مزدورانی را که از اروپا یا ایران، برای اجرای برنامه‌های خود به عراق می‌آورد در هتل مهاجر یا شرایتون و مکان‌های مشابه مستقر می‌کند.

هتل مهاجر در خیابان کراده در نزدیکی میدان تحریر در بغداد اکنون به یکی از مراکز گشتاپوی ملایان و نیروی قدس آنان تبدیل شده است. سفارت رژیم و مأموران اطلاعات و نیروی قدس در این مکان تلاش می‌کنند افرادی را که از اشرف یا لیبرتی به آنجا رفته‌اند به خدمت خود دریاورند.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت شمه‌ای از اقدام‌های رژیم در این محل را، به اطلاع هموطنان می‌رساند :

۱- ابتدا دژخیمی به نام کیومرث (غلامعلی) رشادتمند معروف به حاج علی، مأمور وزارت اطلاعات در سفارت رژیم در بغداد مسئولیت هتل مهاجر را به عهده داشت. سپس این مسئولیت به یک پاسدار سرتیپ نیروی قدس با نام مستعار «سجاد» منتقل شد که قبلاً مأمور به خدمت در «ادارهٔ نفاق»، (بخش ویژهٔ سرکوب و انهدام مجاهدین در وزارت اطلاعات) بوده است.

این پاسدار سرتیپ، رسماً در سفارت رژیم در بغداد کار می‌کند اما معمولاً تمام روز در سوئیت مستقلى در هتل مهاجر به سر می‌برد. فردی به نام «محمود» از سپاه مزدور بدر، وی را با خودروی دیگری به هتل مهاجر می‌برد و به سفارت برمی‌گرداند. پاسدار سرتیپ جنایتکار علاوه بر استخدام مزدور در هتل مهاجر با مأموران اطلاعات در برخی کشورهای دیگر از جمله آلبانی در ارتباط مستمر قرار دارد.

۲- پاسدار دانایی‌فر، سفیر آخوندها در عراق، که از سرکردگان نیروی قدس است، با لباس عربی برای پنهان کردن هویتش به این محل رفت‌وآمد دارد تا از پیشرفت طرح‌ها و برنامه‌ها اطمینان حاصل کند. شمار دیگری از مأموران نیروی قدس و اطلاعات آخوندی مانند موسوی و حسینی به‌طور مستمر به این محل رفت‌وآمد دارند. آنها در ارتباط نزدیک با نخست‌وزیری عراق و کمیته سرکوب اشرف هستند.

۳- شماری از مزدوران عراقی رژیم با نام‌های ابوکرار، ابومصطفی، ابواحمد و ابوحسن و بشیر حسام حمودی که در ارتباط با سفارت و اطلاعات رژیم هستند، در این هتل کار می‌کنند. بشیر حسام حمودی بارها برای توجیه به ایران رفته است. این شخص پیوسته با اکیپ‌های اطلاعات آخوندها(موسوم به انجمن نجات) برای اجرای مأموریت به اشرف رفته و به سنگ‌پرانی و تعرض به مجاهدان اشرفی پرداخته است. نافع عیسی و علی دلیمی دو مزدور بدنام دیگر سفارت رژیم در عراق نیز به این مکان رفت‌وآمد دارند و کارچاق‌کن انتقال مزدوران استخدام‌شده از هتل مهاجر به ترکیه هستند. آن دسته از مأموران اطلاعات و نیروی قدس که تحت عنوان خبرنگار و فیلمبردار برای تهیه گزارش‌های به‌اصطلاح مستند به عراق می‌روند نیز در هتل مهاجر مستقر می‌شوند و از آنجا برای ضبط برنامه به اشرف یا نقاط دیگر می‌روند.

۴- هر فرد بریده‌ای که به هتل مهاجر می‌رود، مدتی در طبقه اول این هتل در قسمتی که حالت قرنطینه دارد نگهداری می‌شود تا پاسدار سجاد با او «مصاحبه» کند، سپس بسته به نتیجه «مصاحبه» به اتاق‌هایی در طبقات ۲و۳و۴ مستقر می‌شود یا در مواردی مانند مسعود دلیلی داخل، ناپدید و به محل‌های ویژه دیگری منتقل می‌شود تا هم‌چنان که در گزارش ارتش آزادی‌بخش به اطلاع عموم رسیده است، برای مقاصد پلید و جنایتکارانه دیگر مصرف شود.

۵- پاسدار دژخیم سعی می‌کند در تبانی با گماشتگان عراقی، تازه واردها را با تهدید و تطمیع و اعمال فشار به همکاری با اطلاعات بکشانند. یکی از تاکتیک‌ها، ایزوله کردن افراد در هتل و نیز کارشکنی در پرونده و کار آنها با کمیساریاست. هدف در هم شکستن افراد است تا به استخدام وزارت اطلاعات درآیند و از مزدوری آنها اطمینان حاصل شود. آنگاه بسته به مأموریتی که برای مستخدمان جدید طراحی شده است، آنها را به اروپا و سایر کشورها منتقل می‌کنند یا به ایران می‌برند. در حال حاضر اولویت رژیم فرستادن مزدوران به اروپاست. اما کسانی که برای مأموریت‌های ویژه امنیتی در نظر گرفته شده باشند به ایران می‌روند. برخی از مزدورانی که کاندیدای مأموریت‌های ویژه در اروپا شده‌اند، ابتدا مدتی مخفیانه به ایران منتقل و پس از «توجیه و آموزش» اختصاصی به عراق و از آنجا به ترکیه و سرانجام به اروپا اعزام می‌شوند.

۶- مأموران رژیم افراد جدیدالورود را وادار به مصاحبه ویدیویی علیه مقاومت می‌کنند. حقوق ماهانه افراد قبل از این که به مزدوری کامل دربیایند بسیار ناچیز است. اخیراً این حقوق از ۱۰۵ هزار دینار عراقی (معادل ۸۶ دلار) به ۷۰ هزار دینار (معادل ۵۸ دلار) تقلیل یافته تا افراد در مضیقه شدید مالی، بیشتر تن به همکاری بدهند. به عنوان مثال مأموران سفارت با

پرداخت ۱۰۰ دلار، این افراد را برای اجرای نمایش‌های مسخره و مصرف این نمایش‌ها و لجن‌پراکنی‌ها در تلویزیون رژیم، به اشرف می‌برند یا با دادن یک دستگاه تلفن یا یک دست لباس آنها را وادار به همکاری بیشتر می‌کنند. این در حالی است که مجاهدان اشرفی در حد مقدرات خود هیچ کمکی را از کسی که نخواست به‌جانب رژیم برود، دریغ نکرده‌اند. اسناد بیش از ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی در اشرف به نفرات تیف پس از تعطیل شدن آن و اسناد پرداخت‌های انجام‌شده در لیبرتی، در دبیرخانهٔ شورا موجود است.

۷- سفارت آخوندها در بغداد برای مزدورانی که به خدمت رژیم درآمد و قرار است به اروپا بروند، پاسپورت ایرانی صادر می‌کند و آنها را با پیش‌پرداخت دو ماه حقوقشان به مبلغ ۷۰۰ دلار به ترکیه می‌فرستد. مزدوران در ترکیه از وزارت اطلاعات ماهانه ۳۵۰ دلار دریافت می‌کنند. وزارت سپس آنها را با پرداخت پول به قاچاقچی، به اروپا صادر می‌کند و مأموران اطلاعات در اروپا آنها را تحویل می‌گیرند. کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا در اطلاعیه ۱۱ آذر ۹۲ برگ اول پاسپورت ایرانی یکی از مزدوران به نام احسان بیدی را که زیرعنوان پناه‌جو و «عضو سابق مجاهدین» از هتل مهاجر به آلبانی اعزام شد، منتشر کرد. این فرد در نمایش‌های سفارت رژیم در اطراف اشرف به خدمت گرفته‌شده بود و همراه با دیگر مزدوران با بلندگو و پلاکارد به اشرف می‌رفت.

۸- یکی دیگر از این مزدوران عیسی آزاده نام دارد که در دی‌ماه ۹۱ به هتل مهاجر رفته و از طریق پاسدار سرتیپ نیروی قدس (سجاد) به خدمت وزارت اطلاعات درآمد است. در آبان ۱۳۸۹ دختر این مزدور که با یک مأمور اطلاعات به نام محسن آستانی ازدواج کرده بود، به اشرف رفته و با شرکت در نمایش‌ها و سنگ‌پرانی‌های مزدوران به مجاهدان اشرفی خواستار

بازگشت پدرش به ایران شده بود. سپس این مزدور در چند ماهی که در هتل اطلاعات آخوندها در بغداد اقامت داشت به طور کامل توسط «سجاد» و موسوی و حسینی به خدمت وزارت اطلاعات درآمد و به همکاری تمام عیار با آنها، از جمله تهدید و تطمیع سایر افراد برای تن دادن به اطلاعات آخوندها پرداخت. این مزدور همچنین با کمک دستیار افغانی مارتین کوبلر به نام دورانی به فرستادن پیغام‌های وزارت اطلاعات برای برخی از ساکنان لیبرتی مبادرت می‌کرد که با افشاگری و شدیدترین اعتراض آنها مواجه شد. پاداش این خوش خدمتی‌ها، خروج آزادانه از «هتل» و رفت و آمد آزاد در شهر بغداد بود در حالی که سایرین بدون موافقت مأموران اطلاعات و بدون کنترل و همراهی مأموران عراقی امکان خروج از هتل و رفت و آمد نداشتند.

متعاقباً گشتاپوی آخوندی یک پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۸۵ با تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ را برای این مزدور صادر کرد. در قدم بعد او را برای «توجیه و آموزش» به منظور انجام مأموریت‌های محوله به ایران بردند. وی اکنون در خدمت گشتاپوی آخوندی در خط تهران- کرمان- جیرفت، به کار مشغول است. طبق گزارش‌های به دست آمده از داخل رژیم، وی به خاطر اطلاعاتش از محوطه داخل لیبرتی، در طراحی حمله موشکی به لیبرتی شرکت داشته است. پس از رفتن این مزدور به ایران، مزدور دیگری نقش او را در هتل مهاجر به عهده گرفته و به همکاری با سرتیپ پاسدار دژخیم سجاد و دیگر عوامل رژیم، برای به خط آوردن سایرین و برای پرونده سازی و سرکوب مجاهدین، اشتغال دارد که جزئیات مزدوری او متعاقباً افشا خواهد شد.

شورای ملی مقاومت ایران

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم

۴ اسفند ۹۲ (۲۳ فوریه ۲۰۱۴)

اعزام عوامل اطلاعات به اروپا برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات و زمینه‌سازی تروریسم

وزارت اطلاعات فاشیسم دینی حاکم بر ایران به اعزام عوامل خود به اروپا تحت‌عنوان پناهنده برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات از آنها و زمینه‌سازی برای اقدامات تروریستی ادامه می‌دهد.

یکی از آخرین نمونه‌ها اعزام مزدوری به نام عیسی آزاده به فرانسه است که جزئیات ارتباطات او با وزارت اطلاعات سال گذشته در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۲ افشا شد. مزدور مزبور در دی‌ماه ۱۳۹۱ از لیبرتی به هتل مهاجر در بغداد، که تحت کنترل وزارت اطلاعات است، رفت و از طریق یک پاسدار سرتیپ نیروی تروریستی قدس با نام مستعار سجاد که مسئولیت هتل مهاجر را به‌عهده دارد و دو دژخیم دیگر به نام‌های موسوی و حسینی از مأموران سفارت رژیم در بغداد به خدمت وزارت اطلاعات درآمد و سپس به ایران برده شد تا تحت آموزش‌های مشابه «مسعود دلیلی» راهنمای قتل‌عام ۱۰ شهریور در اشرف قرار گیرد.

در آبان ۱۳۸۹ دختر این مزدور که با یک مأمور اطلاعات به نام محسن آستانی ازدواج کرده بود به اشرف رفته و با شرکت در نمایش‌ها و سنگ‌پراکنی‌های مزدوران به مجاهدان اشرفی خواستار بازگشت پدرش به ایران شده بود.

عیسی آزاده پس از قبول بردگی وزارت بدنام در هتل مهاجر بغداد به همراه سردژخیمان سجاد و موسوی و حسینی به همکاری تمام‌عیار با رژیم از جمله تهدید و تطمیع افراد تازه وارد برای تن دادن به مزدوری اطلاعات آخوندی پرداخت. او با کمک دستیار افغانی مارتین کوبلر به نام دورانی به فرستادن پیغام‌های وزارت اطلاعات برای برخی از ساکنان لیبرتی مبادرت کرد که با

افشاگری و شدیدترین اعتراض آنها مواجه و در همان زمان علنی شد. در همین خصوص نماینده ساکنان در روز ۲۷ ژانویه ۲۰۱۳ به یونانی نوشت: مسعود دورانی یکی از افراد کوبلر به یکی از ساکنان مراجعه کرده و پیام «یک مأمور اطلاعات ملایان به نام عیسی آزاده» را به او داده است. «چیزی که خشم و سرخوردگی ساکنان را به شدت برانگیخته است».

نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین المللی در جستجوی عدالت نیز در همان روز در نامه‌ای به دبیرکل ملل متحد از این که کارمند یونانی «پیام یکی از افرادی که قبلاً لیبرتی را ترک کرده و هم‌اکنون در خدمت وزارت اطلاعات رژیم ایران قرار دارد» را به یکی از ساکنان لیبرتی منتقل کرده به شدت اعتراض کرد.

سپس گشتاپوی آخوندی یک پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۸۵ با تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ برای این مزدور صادر و در آبان ۱۳۹۲ او را برای «توجیه و آموزش» درباره مأموریت‌های جدید به ایران برد. اما حضور وی در ایران را به‌طور کامل مخفی نگه داشت و حتی او را از بسیاری از بستگانش پنهان کرد تا در توطئه‌های بعدی در صورت لزوم مدعی شوند که به‌طور مستقیم از عراق به اروپا رفته است. این مزدور، اطلاعات اماکن مختلف لیبرتی را در اختیار دژخیمان قرار داده و به‌طور مشخص در طراحی حملات موشکی به لیبرتی شرکت داشته است.

وزارت اطلاعات پس از تکمیل توجیهات و آموزش‌ها، این مزدور را به‌طور مخفیانه به فرانسه فرستاد تا با کسب پناهندگی در این کشور مأموریت‌های محوله را انجام دهد. طبق دستورالعمل وزارت اطلاعات او تا اطلاع ثانوی و گرفتن پناهندگی از ارتباط و تماس با سایر مزدوران رژیم در خارج از کشور منع شده است.

همچنان که در اطلاعیه ۴ اسفند ۱۳۹۲ کمیسیون امنیت آمده است فرد

بریده‌ای که به هتل مهاجر می‌رود، پس از طی مراحل اولیه به اتاق‌هایی در طبقات ۲ و ۳ و ۴ فرستاده می‌شود، اما مواردی مانند مسعود دلیلی، که برای مقاصد جنایت‌کارانه کاندیدا می‌شوند به محل‌های ویژه دیگری منتقل می‌شوند. مزدور دلیلی در شبیخون ۱۰ شهریور به اشرف راهنمای مهاجمان بود و به‌همین خاطر توانستند در فاصله زمانی کوتاه ۵۲ تن از مجاهدان را به شهادت رسانده و ۷ تن را به گروگان بگیرند. در پایان مهاجمان برای پاک کردن آثار جنایت، خود او را هم به قتل رسانده و صورتش را برای پنهان کردن هویتش سوزاندند.

فرستادن مأمورانی مانند عیسی آزاده به اروپا در حالی است که رژیم آخوندی نه تنها خوشحالی خود را از تراژدی ۷ ژانویه پاریس پنهان نمی‌کند بلکه دولت فرانسه را تهدید می‌کند برای «حفظ امنیت، تغییر سیاست فرانسه در قبال سوریه ضروری است» (تسنیم خبرگزاری نیروی قدس- ۸ ژانویه ۲۰۱۵)

انصار حزب‌الله، باند وابسته به خامنه‌ای در روز ۱۴ ژانویه ضمن «هزاران تبریک» به مناسبت کشتار پاریس نوشت:

اجرای این «کیفر مشروع» که «از ماه‌ها قبل طراحی» شده بود «ربطی به عمل تروریستی و داعش ندارد» و سؤال کرد آیا «عادلانه است حکم فلان محکمه پیژوری غرب لازم‌الاجرا باشد اما حکم (امام) جعفر صادق بر زمین بماند؟» (یالثارات- ۲۴ دی ۱۳۹۳)

فرستادن این قبیل مزدوران به فرانسه از جانب اطلاعات آخوندها و نیروی قدس سپاه پاسداران هیچ هدفی جز جاسوسی و زمینه‌سازی و تدارک تروریسم علیه پناهندگان ایرانی ندارد. در همین رابطه مقاومت ایران در اطلاعیه ۲۶ دی ۱۳۹۱ اعزام یک مزدور دیگر به نام قربانعلی حسین نژاد به فرانسه را به اطلاع عموم رساند که در فروردین ۱۳۹۱ خود را به مأموران

استخبارات عراق تسلیم کرده و به استخدام وزارت اطلاعات رژیم درآمد که عکس‌ها و فیلم‌های آن در همان زمان منتشر شد.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران با یادآوری ترور دکتر کاظم رجوی، محمدحسین نقدی و بسیاری دیگر از پناهندگان ایرانی ضمن هشدار نسبت به توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مخالفان و طرح‌های جاسوسی و تروریستی این رژیم، قویاً از دولت‌های فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی می‌خواهد تا مصوبه شورای اتحادیه اروپا در آوریل ۱۹۹۷ دربارهٔ مأموران اطلاعاتی رژیم ایران را به اجرا گذاشته و مزدوران اعزامی نیروی قدس و گشتاپوی منفور دینی را از خاک خود اخراج کنند.

شورای ملی مقاومت ایران کمیسیون امنیت و ضدتروریسم ۲۶ دی ۱۳۹۳ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۵)



یادگاری از شهید عزیزمحمد صالح‌زاد
فرمانده گروه‌های مبارزه با تروریسم
فرمانده محبوب القلوب



حمد و سپاس بی‌کران خدای سرمدی و هزاران تبریک و تهنیت به امت محمدی

امسال ایام ربیع نورعلی نور شد دشمن هتاک نبی روانه گور شد

مستندات افشا

۲۹ دی مستند: شهیدان فدائیان اسلام در اقصای
نواب: نیاز همیشه دوران



- ✓ اجرای کیفر مشروع «ساب‌الذبی» ربطی به عمل تروریستی و داعش ندارد!
- ✓ عادلانه است حکم فلان محکمه بی‌زوری غرب لازم‌الاجرا باشد اما حکم جعفر صادق بر زمین بماند!
- ✓ عملیات کیفر ساب‌الذبی از ماه‌ها قبل طراحی و با فریاد «ما انتقام پیامبرمان را گرفتیم» اجرایی شد
- ✓ موضوع انفعالی روحانی در مورد قتل ساب‌الذبی غیر قابل اعتنا و اطلاع‌رسانی غلط‌انداز صداوسیماستیدیا محکوم است

بر گفتگو با دانش‌آموزان امور خانواده مطرح شد:

دست‌رسی آسان به شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی
انهدام خانواده‌ها را به دنبال دارد

مستندات افشا

شهیدان‌های روحانی و روحانی‌ها با موضوع مشغول افشا

توسیه‌های پرهزینه‌ای
که تاوانش را روحانی می‌دهد!

مستندات افشا

انتصاب یکی از دژخیمان اطلاعات آخوندی به نام مصطفی رودکی به‌عنوان دبیر اول سفارت رژیم در آلبانی برای توطئه علیه مجاهدین

به دنبال تلاش‌های رژیم آخوندی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در آلبانی و اعزام مأموران اطلاعات و نیروی قدس و بریده مزدوران به این کشور، وزارت اطلاعات مصطفی رودکی، یکی از مهره‌های سابقه‌دار خود را روانه آلبانی کرده و به‌عنوان دبیر اول در سفارت رژیم در این کشور منصوب کرده است.

مصطفی رودکی که در اوایل دهه ۹۰ مسئول ایستگاه اطلاعات در سفارت رژیم در اتریش بود در شهریور ۱۳۹۳ به ایران بازگشت و در مقر مرکزی وزارت اطلاعات به کار مشغول شد.

وی در اتریش تحت پوش کارشناس سیاسی در طبقه سوم سفارت مستقر بود. در اواخر مأموریتش در وین به سمت مسئول ایستگاه‌های اطلاعاتی در همه کشورهای اروپایی ارتقا پیدا کرد.

مصطفی رودکی از همان زمانی که در اتریش بود، روی پرونده مجاهدین کار می‌کرد و با برخی از بریده مزدوران در ارتباط بود و در همین رابطه به فرانسه نیز رفت‌وآمد می‌کرد.

رودکی با پرداخت پول، بریده مزدوران را به کار می‌گیرد تا توطئه‌های اطلاعات آخوندی علیه مجاهدین را به اجرا در بیاورد.

سایر مزدوران پیشانی سیاه از قبیل مسعود خدابنده، عیسی آزاده و قربانعلی حسین‌نژاد برای پشتیبانی از فعالیت‌های مصطفی رودکی در ارتباط با وی قرار گرفته‌اند.

وزارت اطلاعات در هماهنگی با وزارت خارجه رژیم برای تسهیل کار رودکی،

دو شعبه وزارت اطلاعات به اسامی کانون هابیلیان و مؤسسه دیده بان را تحت عناوین فرهنگی و مطبوعاتی در آلبانی فعال کرده است. شایان یادآوری است که در سال ۹۵ در جریان انتقال مجاهدین به آلبانی، غلامحسین محمدنیا، یکی دیگر از مهره های سابقه دار اطلاعات آخوندها، به سفارت رژیم در آلبانی گماشته شد. آخوند احمد حسینی الست، رایزن فرهنگی سفارت رژیم در آلبانی نیز دست اندر کار توطئه های رژیم در آلبانی و دیگر کشورهای بالکان است. وی نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی وابسته به دفتر خامنه ای است.

شورای ملی مقاومت

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم

۱۶ بهمن ۹۶ (۵ فوریه ۲۰۱۸)



National Council of Resistance of Iran
Security and Anti-terrorism Committee

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

هتل مهاجر در بغداد پایگاه وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس

برای توطئه علیه مجاهدان اشرفی

به خدمت گرفتن مزدوران تحت‌عنوان اعضای سابق مجاهدین برای لجن‌پراکنی و شیطان‌سازی یا جاسوسی و اقدامات تروریستی علیه مقاومت ایران روش دائمی و شناخته‌شده دستگاه‌های کشتار و ترور و جاسوسی رژیم آخوندی مانند وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی قدس، در سه دهه گذشته بوده است. همچنان‌که در گزارش ارتش آزادی‌بخش ملی ایران درباره «اعدام جمعی، گروگان‌گیری، تخریب و انفجار» در اشرف آمده است،



National Council of Resistance of Iran
Security and Anti-terrorism Committee

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

اعزام عوامل اطلاعات به اروپا برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات و زمینه‌سازی تروریسم

وزارت اطلاعات فاشیسم دینی حاکم بر ایران به اعزام عوامل خود به اروپا تحت‌عنوان پناهنده برای نفوذ در مخالفان، جمع‌آوری اطلاعات از آنها و زمینه‌سازی برای اقدامات تروریستی ادامه می‌دهد. یکی از آخرین نمونه‌ها اعزام مزدوری به نام عیسی آزاده به فرانسه است که جزئیات ارتباطات او با وزارت اطلاعات سال گذشته در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم به تاریخ ۴ اسفند ۱۳۹۲ افشا شد. مزدور مزبور در دی‌ماه ۱۳۹۱ از لیبرتی به هتل مهاجر در بغداد، که تحت کنترل وزارت اطلاعات است، رفت و از طریق یک پاسدار



National Council of Resistance of Iran
Security and Anti-terrorism Committee

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

انتصاب یکی از دژخیمان اطلاعات آخوندی به نام مصطفی رودکی

به‌عنوان دبیر اول سفارت رژیم در آلبانی برای توطئه علیه مجاهدین

به دنبال تلاش‌های رژیم آخوندی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در آلبانی و اعزام مأموران اطلاعات و نیروی قدس و بریده مزدوران به این کشور، وزارت اطلاعات مصطفی رودکی، یکی از مهره‌های سابقه‌دار خود را روانه آلبانی کرده و به‌عنوان دبیر اول در سفارت رژیم در این کشور منصوب کرده است.

مأموران وزارت اطلاعات ایران در اروپا

بخشی از کتاب منتشر شده توسط کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت – مهر ۱۳۹۶



مأموران وزارت اطلاعات ایران در اروپا

گزارش کمیته در جستجوی عدالت درباره مأموران وزارت اطلاعات ایران در اروپا
بروکسل – اکتبر ۲۰۱۷

وزارت اطلاعات رژیم ایران در اروپا فعال است بسیج دروغ‌پردازی برای لکه‌دار کردن چهره اپوزیسیون دموکراتیک

مقدمه

در زمان افزایش امنیت، پس از حملات مرگبار در اروپا توسط افرادی که با ایدئولوژی افراطی تحریک شده‌اند، مهم است نسبت به تهدیدات جاسوس‌های رژیم ایران که در کنار سپاه پاسداران کار می‌کنند، هوشیار باشیم. این گزارش پرونده‌های مشخصی از جاسوسی را که توسط سرویس‌های

ضداطلاعات اروپایی مورد تحقیق قرار گرفته مستند کرده است. یک دادگاه در آلمان، یک عامل رژیم ایران را به خاطر جاسوسی علیه جنبش اپوزیسیون، محکوم کرد. سرویس مخفی رژیم ایران در درجه اول تبعیدیان در اروپا را هدف قرار می‌دهد. در حقیقت، همان‌طور که در این گزارش می‌بینید، سرویس اطلاعاتی داخلی آلمان در آخرین گزارش سالانه خود به این نکته اشاره کرده است که رژیم به شدت در گسترش اطلاعات غلط علیه مخالفان خود و استخدام اعضای سابق اپوزیسیون برای این منظور در اروپا دخیل است. رژیم به‌طور خاص در بسیاری از کشورهای اروپایی، قانون‌گذاران را با چنین اطلاعات غلطی برای لکه‌دار کردن چهره مخالفان هدف قرار داده است. تئوری پشت این رویکرد این است که اگر آنها بتوانند اپوزیسیون را بی‌اعتبار کنند، سیاست واقع‌گرایانه دیکته می‌کند که با حکومت مذهبی حاکم سازش کنند.

یکی دیگر از وقایع بسیار نگران‌کننده که در این گزارش ذکر شده، ترور یک ایرانی مخالف و مدیر اجرایی تلویزیون در استانبول است. ممکن است آگاه باشید که شورای وزیران اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷ اعلامیه‌یی را برای اخراج تمام فعالان اطلاعاتی رژیم ایران از خاک اروپا صادر کرد. این حکم بعد از اعلامیه بعدازآن صادر شد که یک دادگاه در آلمان، رژیم ایران را در (پرونده‌یی) که به قتل‌های میکونوس مشهور شد، در شراکت در ترور ۴مخالف کرد، مجرم شناخت. شما را تشویق می‌کنم که این گزارش را مطالعه کنید.

آلخو ویدال کوادراس

رئیس کمیته بین‌المللی جستجو برای عدالت

فعالیت‌های وزارت اطلاعات رژیم ایران در اروپا

فعالیت‌های عوامل جمهوری اسلامی در اروپا از سال‌ها پیش آغاز شده است. این عوامل تحت هدایت وزارت اطلاعات و امنیت و یا یک شاخه سپاه پاسداران، ازجمله نیروی بدنام قدس، فعالیت می‌کنند. فعالیت‌های آن‌ها شامل ترور مخالفان، جاسوسی علیه مخالفان و گسترش اطلاعات غلط در مورد اپوزیسیون دموکراتیک، است.

رژیم ایران در خارج از مرزها، مدل بنیادگرایی اسلامی خود را صادر می‌کند و گروه‌هایی را که مسئول جنایات تروریستی در سراسر خاورمیانه، ازجمله در عراق، افغانستان و لبنان هستند آموزش می‌دهد و آن‌ها را مسلح و تأمین مالی می‌کند.

از زمان آغاز حکومت آخوندی در ایران در سال ۱۹۷۹، ده‌ها تن از مخالفان ایرانی در اروپا ترور شده‌اند. آن‌ها شامل نمایندگان ائتلاف سیاسی شورای ملی مقاومت ایران در سوئیس و ایتالیا، رهبران کرد ایران در آلمان و اتریش و هم‌چنین سایر مخالفان در فرانسه هستند.

در ۲۹ آوریل ۲۰۱۷، سعید کریمیان، ۴۵ ساله مجری تلویزیون ایران در لندن و رئیس شبکه تلویزیونی ماهواره‌یی GEM در ترکیه که ایستگاه تلویزیونی وی در آنجا یک شعبه داشت، ترور شد.

در ژانویه سال ۲۰۱۷، یک دادگاه در تهران به‌طور غیابی وی را به جرم پخش تبلیغات و اقدام علیه امنیت ملی به شش سال زندان محکوم کرد. در ماه مه ۲۰۱۷، رسانه‌های ترکیه گزارش دادند، دو مردی که در این ترور مظنون بودند، با گذرنامه‌های جعلی در مونت‌نگرو در مسیرشان به ایران دستگیر شدند.

در ماه ژوئیه ۲۰۱۶، میثم پناهی، عامل وزارت اطلاعات در آلمان به خاطر جاسوسی علیه شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران

به دو و نیم سال زندان محکوم شد. بنابر اسناد دادگاه آلمان، او به یک افسر اطلاعاتی با سابقه وزارت اطلاعات و امنیت رژیم ایران وصل بود. پناهی بعد از ترک مجاهدین توسط اطلاعات رژیم ایران استخدام شد. در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۱۷، مصطفی حیدر سیدنققی، یک پاکستانی در آلمان به خاطر جاسوسی برای رژیم ایران، به طور خاص جستجوی اهداف بالقوه برای حملات توسط سپاه پاسداران محکوم شده بود. یک سخنگوی دادگاه عالی برلین گفت که سید نققی به خاطر «کار برای یک سرویس اطلاعاتی خارجی»، به چهار سال و سه ماه زندان محکوم شده است.

گزارش‌های سازمان‌های امنیتی اروپا

سرویس اطلاعاتی آلمان، اداره حراست از قانون اساسی، در آخرین گزارش سالانه خود که در ژوئیه سال ۲۰۱۷ منتشر شد، اعلام کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران اهداف اصلی جاسوسی توسط وزارت اطلاعات و امنیت رژیم ایران هستند.

خلاصه‌ای از گزارش ۴ ژوئیه ۲۰۱۷ اداره فدرال آلمان

برای حفاظت از قانون اساسی

سرویس‌های اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی

وظیفه اصلی سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران هم‌چنان جاسوسی و مبارزه علیه جنبش‌های مخالف در داخل و خارج کشور است. علاوه بر این، سرویس‌های رژیم ایران در دنیای غرب، اطلاعات را در زمینه‌های سیاست، تجارت و علم جمع‌آوری می‌کنند.

اهداف اصلی وزارت اطلاعات و امنیت رژیم ایران

مؤسسه اصلی که علیه آلمان فعالیت می‌کند، وزارت اطلاعات است تمرکز اصلی وزارت اطلاعات به‌ویژه روی «سازمان مجاهدین خلق ایران» و «شورای ملی مقاومت ایران» است. درعین‌حال، فعالیت‌های اطلاعاتی در داخل و خارج از کشور، منافع وزارت اطلاعات را در حوزه سیاست خارجی و امنیتی منعکس می‌کند.

سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران ابزار مرکزی برای رهبری سیاسی در جهت تضمین سلطه است. درنتیجه، مخالفان ایرانی همچنان موضوع تمرکز وزارت اطلاعات خواهند بود... این نگرش از زمان توافق بین رژیم ایران و غرب در حل و فصل منازعات اتمی تغییری نکرده است.

ارزیابی دقیق‌تر از فعالیت‌های ایران در آلمان در گزارش سالانه اداره حراست از قانون اساسی آلمان در نورد راین وستفالن، پرجمعیت‌ترین ایالت آلمان بود که در ۴ ژوئیه ۲۰۱۶ منتشر شد. در این گزارش آمده است که افزایش فعالیت‌های وزارت اطلاعات و امنیت رژیم ایران در آلمان علیه سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران در سال ۲۰۱۴، در سال ۲۰۱۵ ادامه داشته است. هسته مرکزی فعالیت‌های آن‌ها، پخش اطلاعات غلط در مورد سازمان مجاهدین خلق بود. این گزارش هم‌چنین به تعدادی از مظنونان اشاره می‌کند که به خاطر جاسوسی علیه سازمان مجاهدین خلق دستگیر شدند. گزارش‌های قبلی توسط سرویس اطلاعات و امنیت هلندی، همین را تأیید می‌کند:

دفتر اطلاعات و امنیت عمومی هلند در این گزارش‌ها یادآور شده است که حکومت ایران در مبارزه علیه جنبش مخالف مجاهدین خلق بی‌وقفه فعال است.

یافت شده است که سرویس اطلاعاتی رژیم ایران یک شبکه اروپایی را اداره می‌کند که در هلند نیز فعال است. این شبکه، توسط سرویس اطلاعاتی

رژیم ایران استخدام شده و موظف شده‌اند که از طریق لابی، نشریات و جلسات علیه مجاهدین، بر افکار عمومی در مورد مجاهدین تأثیر منفی بگذارند. آن‌ها هم‌چنین اطلاعات مربوط به مجاهدین خلق و اعضای آن را برای سرویس اطلاعاتی رژیم ایران جمع‌آوری می‌کنند.

سرویس اطلاعاتی رژیم ایران، تلاش‌ها برای شیطان‌سازی علیه مجاهدین خلق در رسانه‌ها و در میان سیاستمداران را مدیریت و تأمین مالی می‌کند.

عوامل معرفی شده به عنوان «اعضای سابق» اپوزیسیون

به نظر می‌رسد استخدام وابستگان سابق اپوزیسیون، عملیات عمده‌یی برای وزارت اطلاعات رژیم ایران باشد. مزایای استفاده از چنین افرادی، دوگانه است. اولاً اطلاعات آن‌ها برای ایجاد حملات تروریستی ارزشمند است؛

و ثانیاً آن‌ها برای اهداف تبلیغاتی تحت عنوان «اعضای سابق» مفید هستند. مورد مسعود دلیلی یک نمونه واضح است. او قبلاً کمپ اشرف را ترک کرده بود. او سپس توسط وزارت اطلاعات و امنیت استخدام شد. توسط نیروی قدس در عراق تخلیه اطلاعاتی شد. سپس از او به عنوان یک راهنما برای حمله به کمپ اشرف در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۳ استفاده کرد؛ حمله‌یی که ۵۲ کشته از اعضای سازمان مجاهدین خلق بر جای گذاشت و هفت نفر به گروگان گرفته شدند. در پایان عملیات، دلیلی نیز توسط حمله‌کنندگان کشته شد. آن‌ها چهره او را سوزاندند تا از شناخته شدن او جلوگیری شود. رژیم ایران به‌طور سیستماتیک از این افراد برای کارزار دروغ‌پردازی خود استفاده کرده است تا چهره مجاهدین خلق و ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران را لکه‌دار کند. برای این منظور، این افراد به عنوان پناهنده به اروپا فرستاده شده‌اند، درحالی‌که آن‌ها با سفارت رژیم ایران همکاری نزدیکی دارند یا به‌طور مستقیم با وزارت اطلاعات یا نیروی قدس ارتباط دارند.

دروغ‌پردازی بر روی سازمان مجاهدین خلق متمرکز است. کسانی که درگیر آن هستند تعدادی انجمن‌های دروغین درست کرده‌اند و سراغ پارلمان‌تها در کشورهای مختلف اروپایی می‌روند و وانمود می‌کنند که مخالفان رژیم و فعالان حقوق بشر هستند. در اکثر کشورهای اروپایی، اساساً پارلمان‌تها آن‌ها را رد کرده‌اند.

در سه دهه گذشته، پارلمان اروپا قطعنامه‌های متعددی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران تصویب کرده است و بسیاری از نمایندگان پارلمان حمایت خود را از اپوزیسیون دموکراتیک ابراز کرده‌اند. بنابراین، رژیم ایران همواره از مواضع پارلمان اروپا نگران بوده و به‌سختی تلاش کرده است تا اعضای پارلمان اروپا را در مورد وضعیت در ایران و استاتوی مجاهدین خلق ایران گمراه کند.

در ماه مه سال ۲۰۱۷، تعدادی افراد که خود را اعضای سابق می‌خواندند، به‌منظور انتشار اطلاعات غلط در مورد اپوزیسیون ایران وارد اروپا شدند. یک فرد، مسعود خدابنده، خود را به‌عنوان «مدیر مشاوران استراتژی خاورمیانه، انگلستان» معرفی کرد. جالب‌توجه است که چنین شرکتی در انگلستان وجود ندارد. یک شرکت با چنین نامی چند سال پیش به‌عنوان پوشش فعالیت‌هایش تأسیس شد، اما در سال ۲۰۱۳ منحل شد. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان، علی‌اکبر راستگو بود که ادعا کرد، عضو سازمان مجاهدین خلق است.

به گفته سازمان مجاهدین، او هرگز عضو این سازمان نبوده است، (سازمان مجاهدین) می‌گوید که او بیش از ۳۰ سال پیش هوادار این جنبش در آلمان بوده، اما هیچ‌گونه ارتباط مستقیم نداشته است. پس از آن افراد بازدیدکننده فوق‌الذکر، عکس‌هایی را از سه عضو پارلمان اروپا منتشر کردند که بنا به ادعای آنها، دیداری را که آنان در آن شرکت داشتند، سازماندهی کرده

بودند. مدت‌ها قبل تلاش‌های مشابهی در دیگر کشورهای اروپایی صورت گرفت که در آن افراد برای پخش تبلیغات دروغین خود سراغ نمایندگان مجلس رفته بودند. در ماه نوامبر سال ۲۰۰۵، مسعود خدابنده و همسرش آن سینگلتون تلاش کردند جلسه‌یی را در پارلمان انگلستان برگزار کنند تا اطلاعات غلط علیه مجاهدین خلق پخش کنند. آنها در نهایت به دلیل نگرانی که در میان نمایندگان پارلمان وجود داشت مجاز به برگزاری جلسه نشدند. لرد کوربت که در آن زمان رئیس کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران بود، در بیانیه‌یی در ۹ نوامبر ۲۰۰۵ گفت:

«این افراد به‌منظور توجیه اظهارات رئیس‌جمهور رژیم ایران برای تحریک تروریسم اعزام شده‌اند... باورنکردنی است که کسانی که از تروریسم در داخل کشور استفاده می‌کنند و آن را در خارج از کشور تحریک می‌کنند، فکر می‌کنند هر شخص عاقلی به آن‌ها گوش می‌دهد...».

برخی از افرادی دارای پیوندهای قبلی با سازمان مجاهدین خلق که اخیراً برای شیطان‌سازی اپوزیسیون از پارلمان اروپا بازدید کرده‌اند و اقدامات خود را در اینترنت منتشر کردند (عبارتند از):

داوود باقروند ارشد (آلمان)

قربانعلی حسین‌نژاد (فرانسه)

عیسی آزاده (فرانسه)

غلامرضا صادقی جبلی (آلمان)

محمدحسین سبحانی (آلمان)

بتول سلطانی سده (آلمان)

علی‌اکبر راستگو (آلمان)

مسعود خدابنده (انگلستان)

زهرا معینی (آلمان)

رژیم ایران پول زیادی برای لابی کردن توسط عواملش در هر دو سوی اقیانوس اطلس در اروپا و آمریکا خرج می‌کند. این رژیم حتی از طریق بنیادهای خیریه جعلی کمک‌های مالی را برای برخی دانشگاه‌های مشخص، تحت عنوان هزینه تحقیقات فراهم می‌کند.

یکی از این نهادها، بنیاد علوی مستقر در آمریکا است. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳، یک دادگاه منطقه‌یی ایالات متحده در نیویورک دستور تسخیر ساختمان ۳۶ طبقه‌یی اداری دفتر مرکزی منهن را که متعلق به بنیاد علوی است، به دلیل نقض مقررات معاملات (با رژیم) ایران، صادر کرد.

(رژیم) ایران و لابی آن بدون تردید ادعا می‌کنند که جایگزینی برای وضعیت موجود، وجود ندارد، مخالفان تقسیم شده‌اند و نه مجاهدین خلق و نه ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران، جایگزینی قابل قبول نیستند. با توجه به فعالیت‌های ناسازگار رژیم، از جمله نقض حقوق بشر در ایران، حمایت از تروریسم، نقش فعال در سرکوب مردم سوریه و حمایت از حزب الله، امکانی برای دفاع مستقیم از رژیم وجود ندارد.

بنابراین حتی عوامل لابی رژیم تهران به شیوه‌یی پیچیده‌تر عمل می‌کنند. آن‌ها در بعضی جنبه‌ها از رژیم انتقاد می‌کنند یا حداقل از رژیم فاصله می‌گیرند، اما یک صدا به شیطان‌سازی مقاومت سازمان‌یافته، یعنی سازمان مجاهدین خلق پرداخته تا معامله با رژیم را به یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر تبدیل کنند.

این کارزارها شامل مبالغ هنگفتی می‌شود که برای جذب اعضای سابق یا حامیان گروه‌ها، ایجاد سازمان‌های جبهه‌یی و انجمن‌ها و حتی تلاش برای خریدن کارشناسان به منظور تهیه گزارش‌های دروغ و یا ابراز اظهاراتی علیه مجاهدین خلق است.

گواهی افسران آمریکایی

افسران نظامی ایالات متحده که پیش‌تر بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ مسئول حفاظت از مجاهدین خلق در کمپ اشرف در عراق بوده‌اند، بعدها به‌طور علنی از تلاش‌های وزارت اطلاعات برای انتشار اطلاعات نامطلوب علیه اپوزیسیون ایران خبر دادند. سرهنگ لئو مک کلاسکی فرمانده نیروهای حفاظتی آمریکا در اشرف (در سال ۲۰۰۸)، در سخنرانی خود در پاریس در ۲۴ مارس ۲۰۱۲ گفت:

«من به مدت ۱۳ ماه مسئولیت حفاظت از اشرف را بر عهده داشتم. .. در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، حدود ۳۰۰ نفر تصمیم به بازگشت به ایران گرفتند. به‌ندرت در مورد آن‌ها دوباره شنیده می‌شد، اما می‌توانم دربارهٔ یک نفر که دوباره در مورد او شنیدیم، بگویم، او بتول سلطانی بود که به سمت ایران رفت و برگشت.

در عرض یک یا دو ماه پس از خروجش، شبی در ساعت یک و نیم شب توسط یکی از ایستگاه‌های پلیس ما در خارج از اشرف طی تماسی اطلاع داده شد که سلطانی با پاسپورت ایرانی برگشته است؛ و او از طریق مترجم من یک داستان به من گفت که او به ایران برده شده و مجبور گردیده است که برای محافظت از خانواده‌اش به عراق بازگردد. (ولی) او بر اساس دستور نیروی قدس به‌عنوان نماینده حکومت ایران به اشرف بازگشت».

سازمان‌های غیردولتی تحت کنترل دولت

رژیم ایران برای شیطان‌سازی اپوزیسیون سازمان‌یافته خود تا آنجا پیش رفته که سازمان‌های غیردولتی تحت کنترل دولت را در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای انتشار اطلاعات غلط در مورد مجاهدین خلق ایجاد کند. این اقدام منجر به اعتراضات سایر سازمان‌های غیردولتی ایرانی در شورای حقوق بشر به خاطر سوءاستفاده از چارچوب و سازوکار سازمان‌های

غیردولتی شده است.

در تاریخ ۱۵ می ۲۰۱۷، سه سازمان غیردولتی دارای رتبه مشورتی در شورای حقوق بشر، یک بیانیه کتبی ارائه کردند که در ۲۴ می ۲۰۱۷ در میان تمام اعضای عضو مجمع عمومی سازمان ملل توزیع شد. بخشی از این بیانیه می گوید:

«از آنجا که جامعه مدنی در ایران از آزادی بیان بهره مند نیست، حکومت ایران به ایجاد سازمان های غیردولتی برای سفیدسازی نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر خود با سوءاستفاده از رتبه مشورتی سازمان های غیردولتی و امکانات دیگری که در اختیار دارد متوسل شده است تا چهره اپوزیسیون دموکراتیک و سازمان های غیردولتی مستقل ایرانی را که در تبعید هستند، مخدوش کند».

یکی از این به اصطلاح مؤسسات غیردولتی تحت حمایت حکومت جمهوری اسلامی انجمن دفاع از قربانیان تروریسم است که ظاهراً مأموریت دیگری به جز شیطان سازی و انتشار اطلاعات غلط در مورد گروه های مخالف بسیار سازمان یافته و گروه اپوزیسیون اصلی خواستار دموکراسی در ایران، به نام سازمان مجاهدین خلق ایران.

این انجمن و موارد مشابه آن که از ایران برای شرکت در شورای حقوق بشر آمده اند، علاوه بر انتشار اطلاعات و اخبار غلط، مشغول ارعاب و شناسایی فعالان حقوق بشر ایرانی در حاشیه جلسه می شوند و تحت نظارت وزارت اطلاعات رژیم ایران که مسئول سرکوب مخالفان است، خانواده های این فعالان را در ایران تهدید کرده و آن ها را تحت فشار قرار می دهد.

آلمان عامل اطلاعات رژیم ایران برای جاسوسی علیه تبعیدیان را زندانی می کند

همانطور که قبلاً ذکر شد، در ماه ژوئیه ۲۰۱۶، میثم پناهی، یک عامل

وزارت اطلاعات، در آلمان به خاطر جاسوسی علیه سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران به دو سال و نیم زندان محکوم شد. به گفته دادگاه‌های آلمان، او به یک افسر کهنه‌کار وزارت اطلاعات وصل بود.

طبق شواهدی که در دادگاه فاش شد، پناهی به مدت حداقل سه سال به‌عنوان یک جاسوس مشغول به کار بوده و حداقل ۳۰ بار از یکی از افسران ارشد وزارت اطلاعات به نام سجاد پول دریافت کرده که در مجموع ۲۸۶۰۰ یورو می‌شده است. او همچنین درگیر استخدام اعضای برای حلقه جاسوسی وزارت اطلاعات بوده است. او اعتراف کرد که اطلاعات حساسی را در مورد کمپ اشرف و کمپ لیبرتی در عراق، جایی که هزاران نفر از اعضای مجاهدین خلق مستقر بوده‌اند، در اختیار سجاد قرار داده است.

با توجه به شهادت شهود و شواهد دادگاه که گزارش‌های اداره حراست از قانون اساسی را تأیید می‌کند، وزارت اطلاعات رژیم ایران شبکه‌های مخفی را در آلمان ایجاد و تلاش کرد علیه سازمان مجاهدین خلق جاسوسی کند و با پراکندن اطلاعات غلط آن‌ها را بی‌اعتبار سازد.

این جلسه نشان داد، افرادی که توسط وزارت اطلاعات استخدام شده بودند، استاتوی پناهندگی خود را برای تضمین اقامتشان در آلمان مورد استفاده قرار دادند و پس از آن در ازای پول نقد، در کشورهای اروپایی برای وزارت اطلاعات رژیم ایران کار کردند. این افراد با حمایت سفارتخانه‌های رژیم به‌منظور دریافت آموزش و اطلاع‌رسانی، به ایران سفر کردند. آن‌ها حقوق خود را با پرداخت نقدی یا از طریق سیستم‌های انتقال پول و سترن یونیون دریافت می‌کردند. طبق اسناد دادگاه، پناهی به‌رغم داشتن پناهندگی، به‌طور مخفیانه برای دریافت آموزش جاسوسی، به ایران سفر کرد.

به اذعان خود پناهی، این مزدوران اطلاعات، به‌ویژه دربارهٔ ساخت‌وساز و ساکنان کمپ اشرف و کمپ لیبرتی، جایی که اعضای سازمان مجاهدین

خلق، ساکن بودند، تخلیه اطلاعاتی می‌شوند. تروریست‌ها و شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران، از این اطلاعات برای قتل‌عام پناهندگان ایرانی که قبلاً در این دو کمپ بوده‌اند استفاده کرده‌اند.

لابی عوامل رژیم علیه اپوزیسیون در پارلمان اروپا

اعضای پارلمان اروپا که به سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت سمپاتی دارند، کارزارهای بسیاری را در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران راه‌اندازی کرده‌اند. همیشه دیدگاه‌های متضاد در مورد رژیم ایران و مخالفان آن در پارلمان اروپا وجود داشته است. در یک مورد، این به یک مقابله عمومی تبدیل شد. در سال ۲۰۰۸، پس از تصمیم دادگاه عالی انگلستان برای رد اتهامات تروریستی علیه مجاهدین خلق، رئیس هیئت نمایندگی پارلمان برای روابط با رژیم جمهوری اسلامی از تصمیم دادگاه ابراز تأسف کرد. تعدادی از اعضای پارلمان در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ در یک نامه سرگشاده به مواضع وی پاسخ دادند.

در دسامبر ۲۰۰۷ یک هیئت پارلمان اروپا به ریاست خانم آنجلیکا بئر به ایران سفر کرد تا ظاهراً نقض حقوق بشر در ایران را بررسی و ارزیابی قرار دهد. اهداف این دیدار را بهتر از گزارش‌های مطبوعات رژیم، می‌توان دید. وزارت اطلاعات رژیم ایران به‌عنوان بخشی از تلاش‌هایش برای ارائه اطلاعات غلط در مورد مجاهدین خلق در نزد نمایندگان پارلمان، خانم بئر و همراهان او را به دفتر یکی از انجمن‌های خود به نام «عدالت» برد. در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۷، ایرنا، گزارش داد:

«اعضای انجمن عدالت اخیراً ملاقاتی با نمایندگان پارلمان اروپا در دفتر خود داشتند و در مورد وقوع یک فاجعه بشری توسط فرقه مجاهدین خلق ابراز نگرانی کردند. خانم آنجلیکا بئر Angelika Beer و بارونس نیکلسون Nicholson که در این نشست حضور داشتند، همدردی خود را با قربانیان تروریسم ابراز کردند و یادآور

شدند که ورود مجاهدین خلق به لیست تروریستی اتحادیه اروپا دقیقاً به این دلیل است که دولت‌های اتحادیه اروپا اطلاعات دقیقی درباره تروریسم و این سازمان تروریستی داشته‌اند».

وبسایت انجمن نجات وابسته به وزارت اطلاعات (انجمن نجات، تهران، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷) خبر این دیدار را منتشر کرد.

هیئت پارلمان اروپا با انجمن نجات در ایران ملاقات کرد

«در روز یکشنبه ۹ دسامبر ۲۰۰۷، یک هیئت پارلمانی اروپا در تهران با اعضا و همکاران انجمن نجات در دفترش در تهران ملاقات کرد. این هیئت تحت ریاست خانم آنجلیکا بئر، عضو پارلمان اروپا از آلمان (و رئیس هیئت نمایندگان برای روابط با ایران در پارلمان اروپا) شامل نمایندگان مجلس از احزاب و کشورهای مختلف بود... در پایان جلسه، خانم بئر از انجمن نجات به خاطر ارائه اطلاعات در مورد سازمان مجاهدین خلق تشکر کرد. مدارک و اطلاعات مربوط به سازمان مجاهدین، به تمامی اعضای این هیئت داده شد».

«سفارت رژیم ایران» در داخل پارلمان اروپا

در قسمت‌هایی از یک مقاله خبری نوشته فرانک دمیر Frank Demeyer بروکسل ۶ آوریل ۲۰۱۲ درباره کشمکش میان اعضای هیئت رابطه با (رژیم) ایران در پارلمان اروپا آمده است:

نشست هفته گذشته هیئت پارلمان اروپا برای روابط با رژیم ایران، صحنه یک برخورد نادر بین جناح حامی رژیم ایران، بود... زمانی که سفیر جدید رژیم ایران محمود بریمانی به هیئت دعوت شده بود، روشن شد. سفیر با نامزدی آقای سالاتو مخالفت کرد، زیرا وی، او را بیش از حد منتقد جمهوری اسلامی می‌دانست.

گروه هیئت (رابطه با رژیم) ایران و فعالیت حامیان آن طی دهه گذشته، به زمانی برمی‌گردد که سفارت رژیم ایران در بروکسل کار سختی را جهت تشکیل هیئت رسمی برای روابط با پارلمان اروپا انجام داد. هیئت وقتی احمدی‌نژاد شروع به کار

کرد، تشکیل شد و به سختی کار کرده است تا تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران را مختل و سفرهایی را به تهران سازماندهی کند. یکی دیگر از میهمانان عجیب در جلسه نمایندگی در هفته گذشته، روزبه پارسی، برادر تریتا پارسی، یکی از طرفداران شناخته شده در زمینه روابط نزدیک با جمهوری اسلامی است که ریاست گروه لابی اصلی رژیم تهران را در واشینگتن به نام نایاک NIAC بر عهده دارد. تریتا پارسی همین اخیراً یک پرونده را در دادگاه واشینگتن دی. سی. علیه تبعیدیان ایرانی باخت. وی آن‌ها را متهم کرده بود که با معرفی او به عنوان یک لابی رژیم، وی را بدنام کرده‌اند. روزبه که مانند برادرش در جلسات نایاک NIAC در ایالات متحده شرکت می‌کند، ارتباط نزدیکی با سفارت رژیم ایران در پاریس برقرار می‌کند و در محافل سیاست‌گذاری مربوط به ایران در اتحادیه اروپا شغل مؤثری کسب کرده است. از ژوئن ۲۰۰۹، او عضو پژوهشگر مؤسسه امنیت اروپا در پاریس است. به رغم سیاست جدید اتحادیه اروپا برای تحمیل تحریم‌ها، وی از افزایش تجارت و تعامل با رژیم ایران حمایت می‌کند و در عین حال (تلاش می‌کند افراد را از) حمایت از مخالفان واقعی مصرف سازد.

در این نشست هفته گذشته، آقای ماریو مائورو، رهبر گروه EPP ایتالیا، با عصبانیت هیئت (رابطه با رژیم) ایران را متهم به این کرد که به «نمایندگی سفارت رژیم ایران در پارلمان اروپا» تبدیل شده است.

شخص اصلی کارزار علیه آقای سالانو، عضو آلمانی هیئت سبزها، زابینه مایر است که ناظران او را «رئیس دوفاکتو» هیئت (رابطه با رژیم) ایران می‌نامند. هیئت رابطه با (جمهوری اسلامی) در پارلمان اروپا، در دسامبر ۲۰۰۹، یک مزدور دیگر رژیم بتول سلطانی را فراخواند تا علیه مجاهدین خلق سخنرانی و شیطان‌سازی کند. در پایان بحث، نماینده پارلمان اروپا جفری ون آوردن Orden، یکی از محافظه کاران ارشد انگلستان، از این رویداد انتقاد کرد (و گفت): «من طرفدار مجاهدین خلق نیستم، اما تبلیغات تحت حمایت حکومتی را می‌فهمم و متأسفم که این نمایندگی در حال تبدیل شدن به ابزاری برای اطلاعات غلط رژیم تهران است».

طی یک کنفرانس در پاریس در سال ۲۰۱۲، سرهنگ دوم لئو مک کلاسکی

که به‌عنوان بخشی از نیروی حفاظت در کمپ اشرف در خدمت نیروهای آمریکایی بود، نشان داد که چگونه سلطانی پس از ترک عراق به استخدام رژیم ایران درآمده و چگونه «به‌دستور نیروی قدس- یک شاخه سپاه پاسداران رژیم ایران به‌عنوان مأمور حکومت ایران» به اشرف بازگردانده شد.

نمونه‌هایی از سوابق برخی از افراد و رفتن آن‌ها به پارلمان اروپا

به‌منظور شیطان‌سازی جنبش اپوزیسیون

داوود باقروند ارشد

در دهه ۱۹۸۰ وقتی در انگلیس دانشجوی بود به‌عنوان هوادار مجاهدین داوطلب شد به صفوف آن‌ها در عراق بپیوندد. در سال ۲۰۰۴، او اعلام کرد که دیگر قادر به تحمل سختی‌ها نیست و از قرارگاه مجاهدین خلق در عراق اخراج شد. او سپس به ایران رفت و بعد هم با رژیم ایران شروع به کار کرد و چندین مقاله علیه مجاهدین خلق در داخل ایران منتشر کرد تا اپوزیسیون را شیطان‌سازی کند. در سال ۲۰۱۴، باقروند، ایران را تحت‌عنوان یک تاجر ترک کرد و قصد داشت در آلمان برنامه‌های رژیم تهران را در خارج از کشور پیش ببرد. او در ماه‌های اخیر به پارلمان اروپا در بروکسل رفته است.

غلامرضا صادقی جبلی (بانام مستعار رضا صادقی)

اوایل دهه ۱۹۸۰ پس از دستگیری در ایران و همکاری با رژیم، آزاد شد و بعدها زمانی که در کانادا به دنبال پناهندگی بود، با یک زن کانادایی ازدواج کرد و یک فرزند داشت.

در سال ۱۹۹۵، بر اساس شکایت همسر سابقش به خاطر ربودن این کودک

که طبق حکم دادگاه در اختیار مادرش بود، از طرف اینترپل به خاطر آدم‌ربایی فرزندش تحت حکم بازداشت قرار گرفت. او قبل از فرار به آمریکا که در آنجا می‌توانست سابقه خود را مخفی کند کودک را به ایران فرستاد. وی به هواداران مجاهدین مراجعه و درخواست کرد که به عراق برای پیوستن به صفوف آن‌ها اعزام شود.

در زمانی که در عراق بود، او توسط یکی از زندانیان سیاسی سابق که در زندان‌های آخوندها مدتی با او بود شناسایی شد. آن فرد به مسئولان مجاهدین درباره همکاری او با رژیم گفت و صادقی جبلی از سازمان مجاهدین خلق اخراج شد و به تیف و از آنجا به ایران رفت.

در سال ۲۰۰۷ او در چندین جلسه سازماندهی شده توسط رژیم تهران با نمایندگان پارلمان اروپا و پارلمان انگلیس تحت عنوان «یک عضو سابق توابع سازمان مجاهدین» شرکت کرد.

او بعداً به عراق فرستاده شد تا به رژیم ایران در سرکوب پناهندگان ایرانی در کمپ اشرف کمک کند که در آنجا هنگام نزدیک شدن به کمپ توسط ارتش آمریکا دستگیر شد. در اواخر سال ۲۰۰۹ او به بروکسل فرستاده شد تا به سازمان‌دهی فعالیت‌های مزدوران رژیم ایران در پارلمان اروپا کمک کند. او در دسامبر ۲۰۱۰ توسط یک حکم اینترپل در بلژیک به اتهام ربودن کودک دستگیر و به کانادا استرداد شد.

به گزارش تورنتوسان، روز ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۲ دادگاه عالی آنتاریو غلامرضا صادقی جبلی را به ۲۲ ماه زندان و ۲ سال زندان تعلیقی به اتهام ربودن کودک محکوم کرد.

پس از سپری کردن حکم خود در زندان، به بروکسل بازگشت و همچنان (کارش را) برای تسهیل دسترسی نمایندگان رژیم ایران به پارلمان اروپا ادامه داده است.

قربانعلی حسین نژاد

در آوریل ۲۰۱۲، سازمان مجاهدین را در کمپ لیبرتی ترک کرد و به هتل مهاجر در بغداد رفت که تحت کنترل وزارت اطلاعات بود. از آنجا، او شروع به همکاری با رژیم کرد و کارزار دروغ‌پردازی علیه مجاهدین خلق را در ارتباط با وبسایت‌های مختلف وابسته به رژیم ایران در عراق آغاز کرد و نوشته‌هایش در رسانه‌های عراقی توسط رژیم برای توجیه سرکوب و کشتار ساکنان بی‌دفاع در کمپ لیبرتی مورد استفاده قرار گرفت.

او در خارج از کمپ اشرف در یک مأموریت شناسایی، قبل از یورش به این کمپ توسط مردان نقاب‌دار وابسته به رژیم ایران دیده‌شده بود. در حمله مزبور که در سپتامبر ۲۰۱۳ رخ داد ۵۲ تن به قتل رسیدند. حسین نژاد بعداً توسط رژیم ایران به فرانسه فرستاده شد.

در ژانویه سال ۲۰۱۵ او توسط پلیس فرانسه در آورسوراوز برای جاسوسی علیه دفتر مرکزی اپوزیسیون دستگیر شد و در زمان بازداشت اعتراف کرد که توسط یک وابسته اطلاعاتی سفارت رژیم ایران در پاریس که ماهانه مبالغی را به او پرداخت می‌کند به اور فرستاده‌شده است. او در ماه‌های اخیر همراه با دیگر عوامل رژیم ایران، چند بار به پارلمان اروپا رفته است.

عیسی آزاده

عیسی آزاده مجاهدین خلق را در اردوگاه لیبرتی در ژانویه ۲۰۱۳ ترک کرد و به هتل مهاجر در بغداد رفت که تحت کنترل وزارت اطلاعات بود. او توسط رژیم استخدام شد و گفته می‌شود اطلاعات زیادی در مورد ساکنان کمپ لیبرتی و کمپ اشرف (اطلاعات شخصی، مختصات ساختمان‌ها غیره) را به رژیم داد که توسط رژیم برای انجام چندین حمله موشکی به کمپ لیبرتی که منجر به کشته و زخمی شدن پناهندگان بی‌دفاع شد،

مورد استفاده قرار گرفت.

او در دسامبر ۲۰۱۳ با استفاده از یک گذرنامه ایرانی، با یک پرواز مستقیم از تهران وارد آلمان شد. او در آلمان نماند بلکه به فرانسه رفت. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چندبار به همراه سایر عوامل رژیم ایران به پارلمان اروپا مراجعه کرد.

بتول سلطانی

بتول سلطانی در روز ۶ دسامبر ۲۰۰۶، کمپ اشرف در عراق را ترک کرد و به تیف رفت. طی اقامتش در تیف، مجاهدین خلق، بر اساس دلایل بشردوستانه به وی تحت نظارت افسران نظامی ایالات متحده، پول، کامپیوتر، لباس و دیگر ملزومات را دادند. رسیدهای او برای دریافت همه این اقلام همراه با نامه‌هایی از قدردانی وی از مجاهدین خلق، که در آن بیان می‌کند که مجاهدین را فقط به این خاطر که نمی‌تواند مبارزه را ادامه بدهد ترک کرده، موجود است.

در طول اقامتش در تیف، او به تدریج توسط وزارت اطلاعات رژیم ایران استخدام شد. سرانجام سلطانی در تاریخ ۱۴ ژانویه سال ۲۰۰۸ تحت نظارت صلیب سرخ بین‌المللی از عراق به ایران منتقل شد. به‌طور شگفت‌انگیزی، تنها ۳ هفته بعد او توانست پاسپورت ایرانی بگیرد و در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۰۸ وارد فرودگاه بغداد شود. (کپی پاسپورت او بر روی اینترنت موجود است)

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در آخرین گزارش‌های سرویس‌های امنیتی اروپا تأیید شده است، سرویس‌های اطلاعاتی رژیم ایران بیش از هر زمان دیگری در خاک اروپا فعال هستند. روش‌های آن‌ها طیفی از ارباب و ترور شخصیت تا حذف

فیزیکی را در برمی گیرد. هدف اصلی آن ها اپوزیسیون دموکراتیک ایران و هواداران آن است.

در سال ۱۹۹۷، بعد از این که ترور ۴مخالف کرد ایرانی در رستوران میکنونوس برلین، توسط دادگاه عالی عدالت آلمان، با مقامات رژیم ایران در بالاترین سطوح مرتبط شناخته شد، اتحادیه اروپا تصمیم گرفت تمامی مأموران اطلاعات رژیم ایران را از کشورهای عضو این اتحادیه اخراج کند. با توجه به وضعیت امنیتی فعلی اروپا، حضور مجدد بسیاری از عوامل رژیم ایران در اروپا که دسترسی آنها به اتحادیه اروپا پس از توافق اتمی تسهیل شده است و با توجه به وضعیت امنیتی که به ویژه نظر به قتل اخیر یک مخالف ایرانی در ترکیه که در لیست ترور رژیم ایران بوده بدتر شده است، بیش از هر زمان دیگری لازم است که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، اقدامات پیشگیرانه را اتخاذ کنند و به طور ویژه به تلاش عوامل رژیم ایران برای دسترسی به نهادهای پارلمانی اروپا توجه کنند.

برگرفته از کتاب وزارت اطلاعات رژیم ایران فعال در اروپا کمیته بین المللی در جستجوی عدالت بروکسل - اکتبر ۲۰۱۷



خواست مقاومت ایران، اخراج عوامل وزارت اطلاعات از اروپا و آمریکا



خواست مقاومت ایران، اخراج عوامل وزارت اطلاعات از اروپا و آمریکا



